



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

مادر فضیلت‌ها

زندگی‌نامه ام‌البنین

عزیز الحاجانی قناد



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مادر فضیلت ها: زندگینامه ام البنین علیهاالسلام

نویسنده:

علی آقاجانی قناد

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	مادر فضیلت ها: زندگینامه ام البنین علیها السلام
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۱	فهرست مطالب
۱۵	دیباچه
۱۷	پیش گفتار
۱۹	بخش اول: سیمای ام البنین علیها السلام
۱۹	اشاره
۲۱	فصل اول: مشخصات ام البنین علیها السلام
۲۱	اشاره
۲۱	فواطم در صدر اسلام
۲۳	نسب ام البنین علیها السلام
۲۶	ولادت ام البنین علیها السلام
۲۶	نام اصلی ام البنین علیها السلام
۲۶	سبب نام گذاری به ام البنین علیها السلام
۲۷	ام البنین ها در تاریخ
۲۹	فصل دوم: مقام ام البنین علیها السلام از نگاه اهل بیت علیهم السلام و بزرگان
۲۹	اشاره
۲۹	مقام ام البنین علیها السلام از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام
۳۰	سخنان بزرگان درباره بزرگواری ام البنین علیها السلام
۳۳	فصل سوم: ویژگی های ام البنین علیها السلام
۳۳	اشاره
۳۳	وفا

۳۴	ادب
۳۵	ولایت دوستی و ولایت پذیری
۳۶	شجاعت و شهامت
۳۷	سخنوری و شاعری
۳۸	علم و دانایی
۴۰	فصل چهارم: ام البنین علیها السلام در خانه امام علی علیه السلام
۴۰	اشاره
۴۲	ام البنین علیها السلام و فرزندان فاطمه علیها السلام
۴۳	ام البنین علیها السلام و شهادت علی علیه السلام
۴۴	فصل پنجم: ام البنین علیها السلام و عاشورا
۴۴	اشاره
۴۷	ام البنین علیها السلام و سفر امام حسین علیه السلام
۴۸	ام البنین علیها السلام پس از عاشورا
۵۰	دیدار زینب علیها السلام با ام البنین علیها السلام
۵۱	نوحه سرایی ام البنین علیها السلام در بقیع
۵۶	فصل ششم: به سوی ابدیت
۵۶	اشاره
۵۶	زمان و مکان وفات ام البنین علیها السلام
۵۶	فضیلت بقیع
۵۸	زیارت نامه ام البنین علیها السلام
۵۸	فرزندان و نوادگان ام البنین علیها السلام
۵۸	اشاره
۵۸	الف) فرزندان ام البنین علیها السلام
۶۳	ب) نوادگان ام البنین
۶۵	فصل هفتم: کرامت های ام البنین علیها السلام
۷۲	بخش دوم: برگزیده ادب فارسی

۷۲	اشاره
۷۴	اشعار
۷۴	اشاره
۷۴	داغ دل ام البنین علیہا السلام
۷۶	داغ جاودانه
۷۷	پیک عزا
۷۸	ام بی بنین
۷۸	زبان حال مادر
۸۰	داغدیده
۸۲	داغ آتشین
۸۳	مظهر مهر و وفا
۸۶	متون ادبی
۸۶	اشاره
۸۶	دست های آسمانی
۸۶	یاد عباس
۸۷	عطر بقیع
۸۹	بخش سوم: همراه با برنامه سازان
۸۹	اشاره
۹۱	توصیه های کلی
۹۲	پیشنهادهای برنامه ای
۹۳	پرسش های مسابقه ای
۹۳	پرسش های کارشناسی
۹۵	پرسش های مردمی
۹۷	کتاب نامه
۱۰۲	درباره مرکز

مادر فضیلت ها: زندگینامه ام البنین علیها السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه: آقاجانی قناد، علی

عنوان و نام پدیدآور: مادر فضیلت ها: زندگینامه ام البنین علیها السلام/علی آقاجانی قناد؛ تهیه کننده مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر: قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری: [۲]، ۷۲ص.

فروست: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۶۷۴.

شابک: ۴۸۰۰ ریال ۹۶۴-۷۸۰۸-۴۹-۶:

یادداشت: کتابنامه: ص. ۶۹ - ۷۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: زندگی نامه ام البنین علیها السلام.

موضوع: ام البنین، - ۶۴ق. -- سرگذشتنامه.

موضوع: زنان مسلمان.

شناسه افزوده: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش های اسلامی استان قم.

رده بندی کنگره: BP۵۲/۲/الف ۷۵ آ ۷

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۷۹

شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۳۶۲۹۹

ص: ۱

اشاره

مادر فضیلت ها: زندگینامه ام البنین علیهاالسلام

علی آقاجانی قناد

تهیه کننده مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

ص: ۳

فهرست مطالب

فهرست مطالب ۴

دبیاچه ۶

پیش گفتار ۸

بخش اول ۱۰

سیمای ام البنین علیها السلام ۱۰

فصل اول: مشخصات ام البنین علیها السلام ۱۲

فواطم در صدر اسلام ۱۲

نسب ام البنین علیها السلام ۱۳

ولادت ام البنین علیها السلام ۱۶

نام اصلی ام البنین علیها السلام ۱۶

سبب نام گذاری به ام البنین علیها السلام ۱۶

ام البنین ها در تاریخ ۱۷

فصل دوم: مقام ام البنین علیها السلام از نگاه اهل بیت علیهم السلام و بزرگان ۱۹

مقام ام البنین علیها السلام از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام ۱۹

سخنان بزرگان درباره بزرگواری ام البنین علیها السلام ۲۰

فصل سوم: ویژگی های ام البنین علیها السلام ۲۳

وفات ۲۳

ادب ۲۴

ولایت دوستی و ولایت پذیری ۲۵

شجاعت و شهامت ۲۶

سخنوری و شاعری ۲۷

علم و دانایی ۲۸

فصل چهارم: ام البنین علیها السلام در خانه امام علی علیه السلام ۳۰

ام البنین علیها السلام و فرزندان فاطمه علیها السلام ۳۲

ام البنین علیها السلام و شهادت علی علیه السلام ۳۳

فصل پنجم: ام البنین علیها السلام و عاشورا ۳۴

ام البنین علیها السلام و سفر امام حسین علیه السلام ۳۷

ام البنین علیها السلام پس از عاشورا ۳۸

دیدار زینب علیها السلام با ام البنین علیها السلام ۴۰

نوحه سرایی ام البنین علیها السلام در بقیع ۴۱

ص: ۴

فصل ششم: به سوی ابدیت ۴۵

زمان و مکان وفات ام البنین علیها السلام ۴۵

فضیلت بقیع ۴۵

زیارت نامه ام البنین علیها السلام ۴۷

فرزندان و نوادگان ام البنین علیها السلام ۴۷

الف) فرزندان ام البنین علیها السلام ۴۷

پژوهش درباره یک مسأله ۵۰

ب) نوادگان ام البنین ۵۱

فصل هفتم: کرامت های ام البنین علیها السلام ۵۳

بخش دوم ۶۰

برگزیده ادب فارسی ۶۰

اشعار ۶۲

داغِ دل ام البنین علیها السلام ۶۲

داغِ جاودانه ۶۳

پیکِ عزّا ۶۳

ام بی بنین ۶۴

زبانِ حالِ مادر ۶۴

داغدیده ۶۵

داغِ آتشین ۶۶

مظهر مهر و وفا ۶۶

متون ادبی ۶۸

دست های آسمانی ۶۸

یاد عباس ۶۸

عطر بقیع ۶۹

بخش سوم ۷۱

همراه با برنامه سازان ۷۱

توصیه های کلی ۷۳

پیشنهاد های برنامه ای ۷۴

پرسش های مسابقه ای ۷۵

پرسش های کارشناسی ۷۵

پرسش های مردمی ۷۷

کتاب نامه ۷۹

ص: ۵

در تاریخ صدر اسلام، زنان بسیاری بودند که پایه پای مردان و گناه جلوتر از آنان، رسالت انسان ساز خویش را ایفا می کردند، آنان افزون بر انجام فعالیت های معمول در خانه، در سنگر اجتماع نیز در دفاع از ارزش های اسلامی، به جان فشانی می پرداختند.

در این میان، ام البنین علیهاالسلام، مادر حضرت عباس علیه السلام از جایگاه ویژه ای برخوردار است.

او در خانواده شرف و شجاعت رشد یافت و آن گاه که به خانه امیرمؤمنان علیه السلام آمد، صفا و صمیمیت را به ارمغان آورد. وی می دانست خانه ای که در آن قدم گذاشته، با همه کوچکی اش، انسان های بزرگی را در خود جای داده است که تاریخ بشر را دگرگون می سازند.

ام البنین با معرفتی که به مقام اهل بیت علیهم السلام داشت، فرزندان را در دامان خود پرورش داد که به مفاهیمی چون: ایثار، وفا و فداکاری معنا بخشیدند.

بی تردید، در عصر حاضر که غرب با بیان الگوهای نامناسب و مبتذل می کوشد فرهنگ منحط خود را گسترش دهد، مسئولیت ما در معرفی الگوهایی سازنده هم چون ام البنین علیهاالسلام دوچندان می شود.

بر این اساس، پژوهش گر ارجمند، جناب آقای علی آقاجانی قناد کوشیده است فضایل و منش این مادر فداکار را به تصویر کشند و آن را فراراه مان قرار دهد، با سپاس از ایشان امید است این مجموعه مورد استفاده برنامه سازان ارجمند قرار گیرد.

اَنَّهُ وَلِي التَّوْفِيقِ

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص: ۷

جامعه امروز ما، تشنه نوشیدن از چشمه های جوشان و زلال معرفت و معنویت قهرمانان فضیلت است؛ آنانی که چونان ستارگان شب افروز درخشیدند و به جامعه خود و تمامی جوامع حق جو، نور و روشنایی بخشیدند و با حضور در عرصه تاریخ، زمانه دیگری آفریدند.

جوان امروز، بیش و پیش از هر چیز، مشتاق شناختن الگوهایی است که مانند او بودند، ولی زندگی خویش را به تصویرهای ناب و زیبایی اخلاق انسانی و کمال الهی آراستند، به گونه ای که با گذشت سال ها، هنوز یادشان بر صفحه قلب ها جای دارد؛ نامشان بر لب ها زمزمه می شود و مرام شان باور درونی عاشقان است. جوان امروز نیازمند الگو و نمونه است؛ الگویی که به او نزدیک شود، از او بشنود، با او بگوید و با او زندگی کند.

امروز وظیفه سترگ قلم های آگاه و آگاهی بخش، باز پروری شایسته و مناسب زندگانی مردان و زنان فضیلت آفرین است. امروزه رشد کمی و حتی برتری کیفی زنان و دختران در عرصه های گوناگون اجتماعی کاملاً روشن است و همه می بینیم که آنان در ساختار اجتماع، نقشی اساسی دارند. افزون بر آن، رسانه های دین ستیز نیز با گستردن دام

بی اخلاقی و ولنگاری، الگوهای کاذب را ترویج می کنند و بر طبل پر هیاهوی فمینیسم (۱) افراطی می کوبند و از این راه، احساسات پاک دختران نوجوان و جوان را آلوده می سازند. از این رو، شناساندن الگوهای موفق و اسوه های فکری و عملی زنان کوشا در تاریخ اسلام، اهمیت والایی دارد و باید به شناسایی اسوه های دانایی و ایمان و فضیلت همت گماشت.

فاطمه ام البنین علیها السلام نمونه ای از زنان انسان پرور و برجسته به شمار می آید؛ او زنی شایسته، همسری آگاه و مادری آموزگار و نمونه بود، به گونه ای که نام عباس علیه السلام را بدون نام مادرش - ام البنین علیها السلام - نمی توان در ذهن تصویر کرد. نام ام البنین علیها السلام، یادآور عظمت عباس و درخشندگی سیمای ابالفصل است. نام او خلاصه گذشت، ادب، داکاری، غیرت، محبت و ولایت پذیری و در یک کلام «عشق» است.

در سالی که به نام امام حسین علیه السلام متبرک شده و از سوی رهبر فرزانه انقلاب، سال عزت و افتخار حسینی نام گرفته است، به نگارش زندگانی بانوی بزرگ اسلام - حضرت فاطمه ام البنین علیها السلام - همت گماشتیم. باشد که بلندای عظمت آن مادر فضیلت ها، همه را دربرگیرد و ما را در شمار خادمان و عاشقان خود و فرزند باوفایش، قمر بنی هاشم علیه السلام برگزیند.

ص: ۹

بخش اول: سیمای ام البنین علیها السلام

اشاره

بخش اول: سیمای ام البنین علیها السلام

زیر فصل ها

فصل اول: مشخصات ام البنین علیها السلام

فصل دوم: مقام ام البنین علیها السلام از نگاه اهل بیت علیهم السلام و بزرگان

فصل سوم: ویژگی های ام البنین علیها السلام

فصل چهارم: ام البنین علیها السلام در خانه امام علی علیه السلام

فصل پنجم: ام البنین علیها السلام و عاشورا

فصل ششم: به سوی ابدیت

فصل هفتم: کرامت های ام البنین علیها السلام

ص: ۱۰

فصل اول: مشخصات ام البنین علیها السلام

زیر فصل ها

فواطم در صدر اسلام

نسب ام البنین علیها السلام

ولادت ام البنین علیها السلام (۱)

نام اصلی ام البنین علیها السلام

سبب نام گذاری به ام البنین علیها السلام

ام البنین ها در تاریخ (۲)

فواطم در صدر اسلام

فواطم در صدر اسلام

در تاریخ زنان صدر اسلام، سه شخصیت بلند مرتبه یعنی فاطمه زهرا علیها السلام - دختر پیامبر و همسر علی علیه السلام - ، فاطمه بنت اسد مادر علی علیه السلام و همسر ابی طالب - و فاطمه ام البنین علیها السلام - همسر علی علیه السلام و مادر عباس علیه السلام - در معرفت، کمال و بزرگی سرآمدند. از این رو، می توانیم آن ها را «فواطم» صدر اسلام بنامیم. گفتنی است منزلت بانوی نمونه اسلام، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بسیار برجسته تر است و نقش ایشان در حوادث اجتماعی و سیاسی و فرهنگی روزگار خود، بسیار کارساز بود. فاطمه بنت اسد نیز چنان پاک سرشت و بی آرایش بود که دیوار خانه کعبه به رویش گشوده می شود تا فرزند یگانه اش - علی علیه السلام - را به دنیا آورد. فاطمه بنت اسد، پس از درگذشت عبدالمطلب و ورود پیامبر به خانه عمومیش ابوطالب، نگاهبانی و پرستاری یتیم قریش را بر عهده گرفت. هنگام درگذشت وی، پیامبر، با شکوه فراوان بر پیکرش نماز خواند و بر وی گریست و او را مادر خویش نامید. وی این افتخار را دارد که مادر دوازده امام معصوم علیه السلام است و به احتمال بسیار برای فاطمه پنج ساله مادر از دست داده نیز مادری کرده است. (۳)

ص: ۱۲

۳- ریاحین الشریعه، ذبیح اللہ محلّاتی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۸، ج ۱، ج ۳، صص ۳ - ۱۱.

چهره پر فروغ دیگر، فاطمه بنت حزام^(۱) ام البنین علیها السلام - همسر علی و مادر عباس - است که مقامش با مقام عصمت فاطمه زهرا علیها السلام هم تراز نبوده و در رتبه فاطمه بنت اسد نیز نیست. اخلاص و ارادت و ادب او نسبت به خاندان عترت و هم چنین مقام اخلاقی ایشان چنان آشکار بود که وی پس از این دو بانوی بزرگ، در جایگاه والایی قرار می گیرد. در این میان، نسبت این ستارگان فضیلت با علی علیه السلام قابل توجه است که یکی، مادر و دیگری همسر و هم کفو و آن دیگری، همسر برگزیده او است. هم چنین نسب این فواطم با عباس علیه السلام زیباست که ایشان دست پرورد ام البنینی است که به خادمی زهرا علیها السلام افتخار می کند و جده اش نیز فاطمه بنت اسد است. شباهت میان این سه بزرگ بانوی تاریخ اسلام، پروراندن فرزندان اسوه است که هر یک در محضر دیگری، بزرگی آموخته است؛ حسن و حسین در محضر امام علی علیه السلام و عباس در محضر امامان حسن و حسین علیهما السلام.

نسب ام البنین علیها السلام

نسب ام البنین علیها السلام

پیشینه و اصالت خانوادگی، شاخص مهمی در برقراری پیوندها و رابطه ها در میان افراد و خانواده هاست؛ به دلیل این که شاخص های رفتاری،

ص: ۱۳

۱- عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب، ابن عنبه، قم، انتشارات صدر، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۲۷؛ اعلام النساء، عمر رضا کحاله، دمشق، مطبعه الهاشمی، ۱۳۷۸، ج ۲، ج ۴، ص ۴۰؛ تنقیح المقال فی علم الرجال، مامقانی، نجف، ۱۳۵۰، ج ۲، ص ۱۲۸؛ اعیان الشیعه، سیدمحسن امین، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۴۲۹ و ج ۸، ص ۳۸۹؛ ادب الطیف او شعراء الحسین، جواد شبر، بیروت، دار المرتضی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۷۲. گفتنی است محقق شوشتری صاحب قاموس الرجال، نام فاطمه را برای ام البنین نمی پذیرد و دلیل آن را نیامدن این نام در کتاب هایی چون: رجال طوسی، نجاشی، تاریخ طبری و... می داند قاموس الرجال، ج ۶، صص ۲۷ - ۲۸.

غریزی و تربیتی افراد را باید در پیشینه خانواده ها جست. هر چه خانواده ای، شاخص های اخلاقی و رفتاری والاتری داشته باشد، نشان دهنده اصالت آن خانواده است.

اصالت خانوادگی در گذشته نیز حساس و مهم بوده است و هر خانواده و قبیله و طایفه ای که ویژگی های اخلاقی و جسمانی برجسته تری داشت، به خود می بالید. این موضوع در میان عرب ها، بسیار مهم بود و به صورت افراطی در مورد آن حساسیت نشان می دادند. البته با آمدن اسلام، این احساسات تا اندازه ای به شکل درست هدایت شد.

حضرت ام البنین علیها السلام (۱) از خاندان و طایفه ای است که به شهامت، رشادت و شجاعت و ویژگی های نیکوی اخلاقی مشهور بودند. و همین موضوع در ازدواج علی علیه السلام با ام البنین علیها السلام تأثیر گذار بود.

نسب پدری ام البنین علیها السلام چنین است: ام البنین علیها السلام، دختر حزام بن خالد بن ربیع بن وحید... بکر بن هوازن. (۲)
نسب مادری وی نیز به قرار زیر است: ام البنین علیها السلام دختر ثمامه از خاندان سهل بن عامر بن مالک بن جعفر بن کلاب. (۳)

بدین ترتیب، ام البنین علیها السلام از شعبه بزرگ مُضَر و از بطن عامر و از

ص: ۱۴

-
- ۱- مروج الذهب، علی بن حسین مسعودی، برگردان: ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴، چ ۵، ج ۲، ص ۶۷؛ تاریخ الامم و الملوک، طبری، ج ۲، ص ۴۴۰؛ المختصر فی اخبار البشر، عمادالدین اسماعیل ابی الفداء، قاهره، مکتبه المتنبی، ج ۱، ص ۱۸۱؛ تاریخ ابن الوردی، ابن وردی، نجف، انتشارات چاپ خانه حیدری، ۱۳۸۹ ه. ق، چ ۳، ج ۱، ص ۲۲۰.
 - ۲- بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت - لبنان، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه. ق، چ ۳، ج ۵، ص ۳۷؛ مقاتل الطالیین، ابوالفرج اصفهانی، تحقیق: سید احمد صقر، قم، شریف رضی، ۱۳۷۲ ه. ق، ص ۸۷.
 - ۳- ام البنین؛ نماد از خود گذشتگی، محمدرضا عبدالامیر الانصاری، برگردان: موسی دانش، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵، ص ۱۵.

خاندان کلاب است. در صدر اسلام، تیره های گوناگون این شعبه، طایفه بزرگ هوازن را تشکیل می دادند. آنان در جنوب مکه می زیستند و میان آن ها و اهل مکه از دیر باز دشمنی بوده است. حتی در عصر جاهلیت، جنگ های بسیاری میان آنان روی داد. پس از ظهور اسلام نیز یکی از سخت ترین جنگ های مسلمانان با همین طایفه هوازن بود. جنگ با آنان یکی از سهمناک ترین نبردها پس از فتح مکه بود که با پیروزی لشکر اسلام پایان یافت به این ترتیب، می بینیم که قبیله ام البنین از قبیله های معروف عرب به شمار می رفت و در شجاعت و چالاکی زبانزد بودند.

افرادی از این قبیله مانند: ابوبراء عامر بن مالک به سبب شجاعت و قدرتش به «ملاعب الاسنه»^(۱) یا به عبارت بهتر کسی که سرنیزه ها را به بازی می گیرد، مشهور بود.^(۲) عامر بن طفیل از دیگر اجداد اوست که در عصر خود از نام آورترین شجاعان و دلاوران عرب بود، به گونه ای که قیصر روم هر که را با وی نسبتی داشت، گرامی می داشت.^(۳) عروه الرحال^(۴) یکی دیگر از اجداد مادری ام البنین علیهاالسلام است. او نزد نعمان بن منذر - پادشاه معروف عرب - جایگاه والایی داشته است. فارس قرزل نیز در شمار این پهلوانان بود.

ص: ۱۵

۱- نیزه باز.

۲- الکنی و الالقاب، محدث قمی، نجف، حیدری، ۱۳۷۶ ه. ق، اُفت، تهران، صدر، ۱۳۶۸، چ ۵، ج ۱، ص ۱۷؛ ادب الطّف، ج ۱، ص ۷۲.

۳- ستاره درخشان مدینه؛ حضرت ام البنین علیه السلام، علی ربانی خلخالی، قم، مکتب الحسین، ۱۳۷۸، چ ۱، ص ۱۹.

۴- ستاره درخشان مدینه؛ حضرت ام البنین علیه السلام، علی ربانی خلخالی، قم، مکتب الحسین، ۱۳۷۸، چ ۱، ص ۲۰.

ولادت ام البنین علیها السلام (۱)

پنج سال از هجرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به مدینه می گذشت؛ سالی که برای پیامبر و یارانش در مدینه بسیار سخت بود؛ سالی که لشکر قریش برای زدودن اسلام به سوی مدینه گسیل شدند و قهرمان کفر، عمرو بن عبدود با ضربه علی علیه السلام به هلاکت رسید. در همین سال در بخش جنوبی شهر مکه، در طایفه هوازن، در میان قبیله نام آور کلاب و در خانه حزام بن خالد، همه چشم به راه تولد نوزادی بودند؛ نوزادی که مقدر بود در آینده، به همسری قهرمان ایمان و عدالت - علی علیه السلام - درآید.

نام اصلی ام البنین علیها السلام

نام اصلی ام البنین علیها السلام

از مهم ترین حقوق فرزند بر پدر و مادر، نهادن نام نیک بر او است. در آن زمان نیز نهادن نام نیکو و شایسته بر فرزندان، مهم بود و نام زیبا افتخاری ارزنده به شمار می آمد. بنابراین، هنگام ولادت ام البنین علیها السلام، ایشان را به بافضیلت ترین نامی که برای دختران عرب مرسوم بود، نام گذاری کردند: فاطمه.

سبب نام گذاری به ام البنین علیها السلام

سبب نام گذاری به ام البنین علیها السلام

در میان اعراب آن زمان، کنیه همانند نام خانوادگی امروز اهمیت داشت. زنان نیز مانند مردان، کنیه هایی داشتند که گاه دامنه شهرت آن از کنیه مردان فراتر می رفت چنان که فرزندان را به کنیه مادرشان می خواندند. ام

ص: ۱۶

۱- ناگفته نماند که تاریخ ولادت این بانوی بزرگ در هیچ یک از کتاب های تاریخی قدیمی نیامده است هم چنان که تاریخ ولادت بسیاری از زنان نامدار دیگر نیز ثبت نشده است. با توجه به این که تاریخ نویسان، تولد فرزند بزرگ ام البنین - عباس علیه السلام - را در سال ۲۶ ه. ق می دانند، به احتمال زیاد، سنّ وی هنگام ازدواج حدود ۱۹ سال بوده است. بر این اساس، می توان تاریخ ولادت وی را در سال پنجم هجری حدس زد. ام البنین؛ سیده نساء العرب، ص ۱۰.

البنین علیہا السلام نیز به عنوان کنیه فاطمه بنت حزام انتخاب شد، ولی چرا این کنیه را برای ایشان برگزیدند؟

در میان عرب آن زمان، چه در عصر جاهلیت و چه در زمان اسلام، رسم بود که هرگاه زنی سه پسر یا بیش تر به دنیا می آورد، او را به این کنیه می خواندند و چون ام البنین علیها السلام چهار فرزند پسر داشت، او را ام البنین علیها السلام نامیدند. البته عرب ها رسم دیگری نیز داشتند که در آغاز تولد نوزاد، وی را به کنیه ای نیکو می نامیدند. در واقع، تَفْأَلُ به خیر می زدند. چنان چه به زنان دیگری، کنیه ام الخیر یا ام الکرام داده اند. پس چون داشتن فرزندان و پسران بیش تر، مایه افتخار بوده است، به نظر می آید حضرت ام البنین علیها السلام از کودکی به این کنیه نامیده شده باشد. امروزه هرگاه نام ام البنین علیها السلام برده می شود، جز فاطمه ام البنین علیها السلام - مادر ابوالفضل علیه السلام - نام دیگری در ذهن ها مجسم نمی شود؛ یعنی کنیه ایشان جای گزین نام شان گشته است. (۱)

به هر حال، در آغاز ولادت فاطمه، کنیه ام البنین را برای او برگزیدند؛ تَفْأَلُ نیکویی که به واقعیت پیوست و او پسران چهار گانه ای به دنیا آورد که یاور دین و ولایت گشتند.

ام البنین ها در تاریخ

ام البنین ها در تاریخ (۲)

پیش تر گفتیم ام البنین، کنیه ای بود که برای بسیاری از زنان و دختران - چه در آغاز تولد و چه پس از آن - برمی گزیدند. در تاریخ، نام چند تن

ص: ۱۷

۱- ام البنین؛ سیده نساء العرب، سیدمهدی سویج، ص ۱۲.

۲- نک: ام البنین؛ سیده نساء العرب، سیدمهدی سویج، صص ۱۶ - ۱۹.

از زنان که چنین کنیه ای داشته اند، ثبت شده است. در این جا، چند تن از آن ها را می آوریم:

۱. ام البنین، همسر عقیل بن ابی طالب؛

۲. ام البنین، دختر عبدالعزیز بن مروان، همسر ولید بن عبدالملک؛

۳. ام البنین، ام سعد بنت رافع که چهار پسرش به نام های اسعد، اوس، الیاس، و عمر در رکاب رسول خدا به شهادت رسیدند؛

۴. ام البنین، مادر امام علی بن موسی الرضا علیه السلام .

ص: ۱۸

فصل دوم: مقام ام البنین علیها السلام از نگاه اهل بیت علیهم السلام و بزرگان

زیر فصل ها

مقام ام البنین علیها السلام از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام

سخنان بزرگان درباره بزرگواری ام البنین علیها السلام

مقام ام البنین علیها السلام از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام

مقام ام البنین علیها السلام از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام

ام البنین علیها السلام از وقتی پا به خانه علی علیه السلام گذاشت، همواره خود را در خدمت فرزندان فاطمه علیها السلام می دید و عشق و محبت خود را نثار آنان می کرد؛ محبتی بی ریا و خالصانه که تمام وجود او را در بر گرفته بود. او خدمت به فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و مادری کردن در حق ایشان را فرصت و توفیقی خدادادی در زندگی خویش می شمرد. از این رو، خود و فرزندانش بسان پروانه بر گرد شمع وجود علی و یادگاران پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و فاطمه زهرا علیها السلام می گشتند و از نور ایشان پر فروغ می شدند.

اهل بیت علیهم السلام نیز که سرچشمه های کرامت و فضیلت اند، همواره حق مادری ایشان را به جا آورده و پاس خدمت هایش را نگه داشته اند. هر چند در تاریخ از اهل بیت علیهم السلام درباره او سخنی به طور مستقیم ثبت نشده، ولی آن چه به صورت غیر مستقیم رسیده است، بر ارجمندی و بلندی مقام او نزد اهل بیت علیهم السلام دلالت دارد. آن چه از امامان علیهم السلام درباره فضیلت ابوالفضل علیه السلام صادر گشته، در واقع تجلیل غیر مستقیم از ام البنین علیها السلام است. زینب کبرا - عقیله بنی هاشم و پیام آور کربلا - پس از ورود به مدینه، همواره مقام ام البنین علیها السلام را در نظر داشت و به وی احترام می گذاشت؛ به عیادت او می رفت و از او دلجویی می کرد.

ام البنین علیها السلام همواره فرزندان فاطمه علیها السلام را از جان خویش گرامی تر و عزیزتر می دانست و به آنان خالصانه احترام می گذاشت. از این رو، به یقین، نزد اهل بیت، مقامی بلند و ستودنی دارد.

سخنان بزرگان درباره بزرگواری ام البنین علیها السلام

سخنان بزرگان درباره بزرگواری ام البنین علیها السلام

بی شک، ام البنین علیها السلام که مظهر ایمان، شجاعت و عشق به ولایت است، از تمجید و ستایش دیگران بی نیاز است، ولی چون سخن بزرگان می تواند گوشه ای از زوایای وجودی آن بانوی بزرگ اسلام را بنمایاند، سخن این بزرگان و عالمان را می آوریم:

۱. عقیل بن ابی طالب؛ برادر امام علی علیه السلام و پدر بزرگوار مسلم بن عقیل است. وی عالم فرزانه و نسب شناس عرب بود و همو ام البنین علیها السلام را به علی علیه السلام معرفی کرد. عقیل درباره خاندان ام البنین علیها السلام می گوید:

در میان عرب، شجاع تر از پدران ام البنین علیها السلام نبود. (۱)

۲. ابو نصر، سهل بن عبدالله بخاری از عالمان قرن چهارم در کتابش *سّر السلسله العلویه* می نویسد:

... و ام البنین علیها السلام پیش و پس از درگذشت آن حضرت (امیرمؤمنان علیه السلام) با کس دیگری ازدواج نکرد. (۲)

ص: ۲۰

۱- عمده الطالب، ص ۳۵۷؛ تنقیح المقال، ج ۲، ص ۱۲۸؛ اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۳۸۱؛ نفس المهموم، محدّث قمی، نجف، مکتبه الحیدریه، ۱۴۲۱ ه. ق، ص ۳۳۲.

۲- سّر السلسله العلویه، ابونصر بخاری، نجف، چاپ خانه حیدری، ۱۳۸۱ ه. ق، ص ۸۸.

۳. شیخ جعفر ربعی معروف به نقوی؛ فقیه و ادیب برجسته عرب زبان در عصر حاضر است. او در کتابش به نام زینب کبری می نویسد:

ام البنین علیهاالسلام از بانوان با فضیلت، خوش بیان، سخنور، پرهیزگار و اهل عبادت بود و حق اهل بیت علیهم السلام را به خوبی می شناخت. (۱)

۴. عالم فرهیخته، زین الدین عاملی معروف به شهید ثانی (وفات: ۹۶۵ ه. ق) نیز می نویسد:

ام البنین علیهاالسلام از بانوان با معرفت و پر فضیلت بود. نسبت به خاندان نبوت، محبت و دل بستگی خالص و بی اندازه داشت و خود را وقف خدمت به آنان کرده بود. خاندان نبوت نیز برای او جایگاه والایی قایل بودند و به او احترام ویژه می گذاشتند. در روزهای عید، به احترام او به محضرش می رفتند و به ایشان ادای احترام می کردند. (۲)

۵. سید محسن امین در کتاب اعیان الشیعه می نگارد:

ام البنین علیهاالسلام شاعری خوش بیان و از خانواده ای اصیل و شجاع بود. (۳)

۶. علامه سید عبدالرزاق موسوی مقرّم (وفات: ۱۳۹۱ ه. ق) می نویسد:

ام البنین علیهاالسلام از بانوان با فضیلت بود. وی حق اهل بیت علیهم السلام را خوب می شناخت و در محبت و دوستی با آنان خالص بود و ایشان نیز در میان آن بزرگواران، جایگاه بلند و مقام ارجمندی داشت. (۴)

ص: ۲۱

۱- زینب الکبری، شیخ جعفر ربعی نقوی، مؤسسه امام حسین، ۱۴۱۱ ه. ق، چ ۱، ص ۲۵.

۲- ستاره درخشان مدینه؛ حضرت ام البنین، ص ۷.

۳- اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۳۸۹.

۴- العباس، عبدالرزاق المقرّم، انتشارات شریف رضی، چ ۱، ص ۷۲، برگرفته از: ام البنین؛ نماد از خود گذشتگی، ص ۳۸.

۷. علی محمد دخیل؛ نویسنده عرب زبان معاصر می نویسد:

بزرگواری این زن (ام البنین) هنگامی روشن می شود که بدانیم وقتی خبر شهادت فرزندان را به او می دهند به آن توجه نمی کند، بلکه از سلامتی حضرت امام حسین علیه السلام می پرسد؛ گویی حسین علیه السلام فرزند او است نه آنان. (۱)

۸. علامه حاج شیخ باقر شریف قرشی؛ نویسنده کتاب عباس بن علی، رائد الکرامه در فضیلت حضرت ام البنین علیها السلام می نویسد:

در تاریخ دیده نشده است که زنی نسبت به فرزندان هووی خود محبتی خالصانه ورزد و آنان را بر فرزندان خویش پیش تر بدارد جز این بانوی پاک؛ یعنی ام البنین علیها السلام. (۲)

ص: ۲۲

-
- ۱- العباس بن امیر المؤمنین علیه السلام ، علی محمد علی دخیل، لبنان - بیروت، مؤسسه اهل البیت، ۱۴۰۱ هـ . ق، چ ۱، ص؟.
 - ۲- العباس بن علی؛ رائد الکرامه و الفداء فی الاسلام، باقر شریف القرشی، دار الکتب الاسلامی، ص ۲۳، برگرفته از: ام البنین؛ نماد از خود گذشتگی، ص ۳۸.

اشاره

فصل سوم: ویژگی های ام البنین علیها السلام

اگر بخواهیم ویژگی برجسته حضرت ام البنین علیها السلام را یاد کنیم، باید آن را در وفاداری وی به اسلام و خاندان عترت جست. وفای آن بزرگوار در جان و روح فرزندانش جریان یافت و صحنه هایی بی مانند و ناب از محبت و وفاداری را در عاشورا آفرید.

وفا

وفا

وفا صفتی ارزنده و ستودنی است و در هر کسی باشد، او را گرمی و عزیز می گرداند. وفاداری و پای بندی به عهد و پیمان، فضیلتی بزرگ است که حتی در میان صفت های دیگر، خودنمایی می کند و منزلتی والا دارد؛ زیرا آراسته شدن به وفاداری و ملکه شدن آن در روح و روان آدمی، مستلزم پاکی و مراقبت همیشگی و پیروزی بر همه زشتی ها و وسوسه های شیطانی است.

اگر آن چه وفا به آن مربوط می شود، اسلام، امامان معصوم و خاندان وحی باشند، صفت وفا ارزشی آسمانی به خود می گیرد. ام البنین علیها السلام در خاندانی پرورش یافت که وفاداری به ارزش های انسانی در آن فضیلتی سترگ شمرده می شد. از این رو، این خوی خدایی با وجود او در آمیخت و ملکه وجودش گشت. ایشان نیز این صفت را در محضر مولا علی علیه السلام پروراند و در وجود فرزندانش جاری ساخت.

ص: ۲۳

ام البنین علیها السلام هم چنان که در زندگانی علی علیه السلام و فرزندانش، کمال وفا را در حق آنان نگاه داشت، پس از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز بر این وفاداری باقی ماند. بدین جهت، پس از شهادت جان سوز علی علیه السلام با هیچ مرد دیگری ازدواج نکرد. (۱) همین حس ایمان و وفاداری در وجود ابا الفضل تجسم یافت؛ هنگامی که آب گوارا در کف داشت، به یاد لب تشنه برادر، آب را فرو ریخت.

ادب

ادب

صفت ادب از مهم ترین شاخصه های شرافت انسانی است و دو مصداق دارد:

۱. ادب در برابر خدا؛

۲. ادب در برابر مردم.

ام البنین علیها السلام که از دامان خاندانی ادب پرور برخاسته بود، در محضر اسوه ادب - علی علیه السلام - آن را بارور ساخت و الهی گردانید. او در پیشگاه خدا ادب بندگی را نگاه می داشت و نسبت به مردم فروتن بود؛ ولی بزرگ ترین نمود ادب او، در برابر علی علیه السلام و فاطمه و فرزندان معصوم آنان است. هنگامی که به خانه علی علیه السلام قدم نهاد، خود را نه به عنوان جانشین فاطمه علیها السلام، بلکه به عنوان خادم فرزندان فاطمه می دانست. با آنان به ادب رفتار می کرد و آن ها را گرامی می داشت. عباس علیه السلام از این سرچشمه ادب، تربیت آموخت که برادرش حسین علیه السلام را

ص: ۲۴

۱- مناقب آل ابی طالب، محمد بن علی بن شهر آشوب، قم، انتشارات علامه، ج ۳، ص ۳۰۵.

همیشه یا سیدی یا اباعبدالله (۱) خطاب می کرد و همواره ادب را در گفتار و رفتار خود نسبت به فرزندان زهرا علیهاالسلام نگاه می داشت.

ولایت دوستی و ولایت پذیری

ولایت دوستی و ولایت پذیری

عشق و محبت به ولایت با جان او آمیخته بود. او علی علیه السلام را نه تنها به عنوان همسر، بلکه به عنوان برادر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و حجت خدا در میان مردم می دید و همین سان به فرزندان معصوم او می نگریست. صفا و صمیمیت در محبت ایشان به مقام ولایت، موج می زد. هرگاه حسنین را بیمار می دید، دست مهربانی بر سرشان می کشید و هم چون مادر از آنان پرستاری می کرد. با سخنان مهربانانه اش، دل هایشان را آرامش می داد و در برابر آنان فروتنی می کرد. (۲) هرگاه با آنان رو به رو می شد، به ایشان لبخند می زد. (۳)

هنگام وداع با پسرانش وقتی که همراه اباعبدالله به سوی مکه و کربلا حرکت می کردند، با روی باز از آنان استقبال کرد. پاسداری از وجود حسین علیه السلام را به آنان سفارش فرمود و فداکاری در راه حسین را به آنان گوشزد کرد. (۴) به راستی، برای او آسان بود که داغ جان سوز چهار فرزندش را ببیند، ولی حسین علیه السلام به سلامت باشد؛ پسرانش در راه حسین علیه السلام قطعه قطعه کردند، ولی حسین علیه السلام بماند. از این رو، وقتی بشیر خیر شهادت شهیدان کربلا را آورد، ایشان نخست نه از فرزندانش، بلکه از حسین علیه السلام پرسید و سراغ حسین علیه السلام را گرفت و گفت: «

ص: ۲۵

۱- معالی السبطين، شیخ محمد مهدی الحائری، ج ۱، بیروت، لبنان، مؤسسه النعمان، ص ۴۴۳.

۲- ام البنین؛ سیده نساء العرب، ص ۵۰.

۳- ام البنین؛ سیده نساء العرب، ص ۵۰.

۴- ام البنین؛ سیده نساء العرب، ص ۵۰؛ ام البنین؛ نماد از خود گذشتگی، ص ۲۴.

فرزندانم فدای حسین علیه السلام باد»^(۱) این چیزی نیست جز ولایت پذیری و محبت و ایمان؛ یعنی ذوب شدن در ولایت.

شجاعت و شهامت

شجاعت و شهامت

دلیری و شجاعت صفتی است که وجودش در مردان، به آنان برتری و بزرگی می بخشد. اگر این صفت در وجود زنی نهفته باشد که خود دارای کمال علمی و ادبی نیز هست، از او شخصیتی سرآمد و ممتاز می سازد. ام البنین علیهاالسلام از خانواده ای برخاسته بود که معدن شجاعت و سرچشمه رشادت و غیرت به شمار می آمدند. به همین دلیل، وقتی علی علیه السلام از عقیل در مورد همسری که فرزندی شجاع بیورود، راهنمایی خواست، او را به ام البنین علیهاالسلام که خاندانش همه از شجاعان و پهلوانان عرب بودند، راهنمایی کرد.

ام البنین علیهاالسلام این صفت خاندانش را به ارث برده بود. پس از شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش و شهادت عباس و دیگر فرزندان در بقیع حضور می یافت و عیب‌الله فرزند خردسال عباس علیه السلام را نیز به همراه می برد. این روحیه، شهامت و شجاعت او را در مقابل باطل نشان می دهد. به یقین، در آن فضای خفقان به بقیع آمدن و عزاداری کردن به گونه ای که مردم جمع شوند و با او هم ناله گردند^(۲) عمل عاطفی صرف نیست، بلکه رنگ و بویی سیاسی دارد. در آن شرایط که یزیدیان از

ص: ۲۶

۱- ام البنین؛ نماد از خود گذشتگی، ص ۲۶.

۲- ابصار العین فی انصار الحسین علیه السلام، محمد بن طاهر سماوی، ۱۳۷۷، مرکز تحقیقات سپاه، ص ۵۶؛ تاریخ طبری، ج ۶، ص ۲۹۶؛ مقاتل الطالبیین، ص ۸۵، برگرفته از: ام البنین؛ سیده نساء العرب، ص ۷۰.

پیروزی موقت خود سرمست بودند و حتی مدینه را نیز در واقعه حَرّه به خاک و خون کشیدند، این چنین خودنمایی و شجاعت، تنها از شیرزنی هم چون ام البنین علیهاالسلام برمی آید که از آبشخور شجاعت سیراب گشته باشد. از دامن چنین مادری، عباس علیه السلام برخاست و با رشادت هایش در کربلا، دل اهل بیت حسین علیه السلام را تسکین داد.

سخنوری و شاعری

سخنوری و شاعری

سخنوری و شاعری، ویژگی هایی است که جامه فخر بر تن آدمی می پوشانند و هنری هستند که برای دارنده آن، مایه افتخار به شمار می آیند. سخنوری و شاعری در میان اعراب صدر اسلام نیز امتیاز برجسته ای به شمار می رفت. هر کس از این هنر والا بیش تر بهره داشت، بلند مرتبه تر و گرامی تر بود. همان گونه که گفته شد خاندان کلاب در میان عرب، به ویژگی های نیکویی همچون شجاعت، سخاوت، شاعری و سخنوری و... زبانزد بودند.

در میان قبیله کلاب که خود از شاعران و سخنوران بزرگ بودند، ام البنین علیهاالسلام مقامی برجسته و ستوده دارد. علامه نقوی در کتاب زینب کبری در این باره می نویسد:

ام البنین علیهاالسلام از زنان فاضلی بود که به حق اهل بیت علیهم السلام شناخت کامل داشت. هم چنین ایشان به شیوایی و رسایی سخن می گفت. (۱)

عمر رضا کحّاله در اعلام النساء او را شاعری خوش بیان معرفی می کند. (۲)

ص: ۲۷

۱- زینب الکبری، ص ۲۵.

۲- اعلام النساء فی عالمی العرب و الاسلام، عُمَرِ رِضَا کَحّاله، ۱۴۰۴، مؤسسه رسالت، چ ۵، ج ۴، ص ۴۰.

سید محسن امین نیز در اعیان شیعہ چین می نویسد. (۱) او از این سخنوری و شاعری سود می برد و مردم را به دور خود در بقیع گرد می آورد و با هم نوحه سرایی می کردند.

علم و دانایی

علم و دانایی

برترین گوهر برای انسان، علم آموزی و ارزنده ترین زیور برای او، آراستگی به معرفت و دانایی است. علم و دانایی به آدمی فضیلت و منزلت می بخشد و هر که از آن بیش تر مایه گرفته باشد، فضیلتش افزون تر است. ام البنین علیها السلام که خود از دانش و فضیلت مایه داشت، در خانه علی علیه السلام نیز از کمالات علوی سرشار گشت، به گونه ای که همه آنانی که از ام البنین علیها السلام نامی برده اند، وی را به فضل و کمال و علم ستوده اند. از این رو، عشق و علاقه او نسبت به اهل بیت و علی علیه السلام تنها در روابط عاطفی نبود، بلکه از آگاهی و شناخت وی نسبت به آنان سرچشمه می گرفت.

برخی افراد مانند سید مهدی سویج در کتاب ام البنین سیده نساء العرب در بیان فضل و دانش او، ایشان را با جناب زینب کبری علیها السلام البته در سطح پایین تر مقایسه می کند و او را به صفت عالمه می ستاید. این ویژگی آشکارا درباره هیچ کس جز زینب کبری علیها السلام گفته نشده است. (۲)

این نویسنده از کتاب معالی السبطين و کنز المصائب نقل می کند که حضرت عباس علیه السلام، علم خود را در کودکی از محضر پدر و مادرش (ام)

ص: ۲۸

۱- اعیان الشیعہ، ج ۸، ص ۳۸۱.

۲- ام البنین؛ سیده نساء العرب، ص ۵۱.

البنین) آموخته است. (۱) از این رو، صفت عالمه را برای او، سخن آن حضرت دانسته است.

ص: ۲۹

۱- ام البنین؛ سیده نساء العرب، برگرفته از: معالی السبطين، ج ۱، ص ۳۱.

فصل چهارم: ام البنین علیها السلام در خانه امام علی علیه السلام

مدتی از شهادت فاطمه علیها السلام می گذشت و علی علیه السلام هنوز در فراق «یاس کبود» خود می سوخت. شکیبایی تنها چاره او بود، ولی فرزندان علی به سرپرست و پرستار نیاز داشتند و علی علیه السلام ناچار بود تا همسری برگزیند. نخستین همسر علی علیه السلام پس از فاطمه علیها السلام، اُمّامه - دختر زینب؛ فرزند رسول خدا - بود. (۱)

او را فاطمه علیها السلام به علی معرفی کرده بود تا پس از شهادتش با او ازدواج کند؛ چون می دانست او برای فرزندان، دل سوز خواهد بود. بنابراین، علی علیه السلام پس از شهادت فاطمه علیها السلام با دختر خواهر آن حضرت - یعنی اُمّامه - ازدواج کرد و وصیت زهرا علیها السلام را عملی ساخت.

هر چند علی علیه السلام پس از شهادت زهرا همسران دیگری نیز انتخاب کرد، ولی همیشه در پی همسری بود که از خاندان شجاعت و غیرت و فضیلت باشد. امام علی علیه السلام این امر را با برادرش عقیل - که نَسَب شناسی ماهر بود - در میان گذاشت. امام از او خواست دختری از طایفه های مشهور عرب را برایش برگزیند که به شجاعت و قهرمان

ص: ۳۰

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۸۱؛ المناقب، ج ۳، ص ۳۰۵؛ علل الشرایع، شیخ صدوق، ص ۱۸۹ البته نامی از امامه نمی برد؛ اسدالغابه، ابن اثیر، تحقیق، محمدابراهیم بنا و محمداحمد عاشور، ص ۲۲.

پروری زبانزد باشند تا از او فرزندی رشید، دلیر و باشهامت پدید آید. عقیل که انساب عرب را خوب می شناخت، علی علیه السلام را به خاندان کلاب راهنمایی کرد و گفت: با ام البنین علیهاالسلام از طایفه کلاب ازدواج کن؛ زیرا در میان عرب، شجاع تر از پدران وی وجود ندارد. (۱)

بی تردید، تأکید امیرمؤمنان علیه السلام در انتخاب همسری شجاع و قهرمان پرور دو مطلب اساسی را نشان می دهد:

نکته اول نقش و اهمیتی است که همسر در شکوفایی فرزندان و نظام خانواده بر عهده دارد. ویژگی های اخلاقی و ایمان پدر و مادر اگر چه تنها عنصر تشکیل دهنده ویژگی های فرزند نیست، ولی بخش مهمی از تربیت فرزند بدان وابسته است. بر همین اساس، در اسلام ازدواج با افرادی که دارای بیماری های روحی، روانی و جسمی هستند، نهی شده است. در مقابل، ازدواج با دارندگان کمال و آراستگی پیشنهاد شده است.

نکته دوم این است که امام علیه السلام با آینده نگری، رویدادهای آینده را پیش بینی می کرده است. امام می دانست که در حماسه کربلا، حضور فرزندی رشید در کنار امام حسین علیه السلام و زینب کبری علیهاالسلام برای حمایت از دین خدا ضروری است تا حماسه عاشورا در صفحه تاریخ، ماندگارتر باشد.

او می بایست از پدری چون امیرمؤمنان علیه السلام و مادری شجاع و مهربان به دنیا آید؛ مادری که در ویژگی های فردی، نزدیک ترین شخص به زهرای اطهر علیهاالسلام باشد. هرچند امام علیه السلام همسران دیگری داشت، ولی

ص: ۳۱

۱- نک: تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۰؛ اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۳۸۹؛ نفس المهموم، ص ۳۰۲؛ اعلام النساء، ج ۱، ص ۲۴۲؛ دایره المعارف تشیع، ج ۲، ص ۴۹۴.

هیچ یک توانایی پذیرش این امانت سنگین را نداشتند.

آنان گرچه زنانی فاضل بودند، ولی نمی توانستند مادر عباس علیه السلام باشند. بدین گونه، منزلت و قدر فاطمه دختر حزام تجلی می یابد و تقدیر الهی، دست او را در دست بزرگ مرد تاریخ می گذارد و به مقامی می رسد که زنان دیگر به حال او غبطه می خورند.

ام البنین علیها السلام و فرزندان فاطمه علیها السلام

ام البنین علیها السلام و فرزندان فاطمه علیها السلام

هُمای سعادت به ام البنین علیها السلام روی آورده بود. اکنون او همسر مردی بود که پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم کسی به پایه فضیلت او نمی رسید. همه چیز آماده بود تا مراسم ازدواج و زفاف علی علیه السلام و فاطمه ام البنین علیها السلام باشکوه ویژه ای صورت پذیرد. شماری از خویشان و نزدیکان به این مجلس دعوت شده بودند. ناگهان در میان ازدحام جمعیت، علی و فاطمه با متانتی مثال زدنی به اندرون خانه پا گذاشتند. زیبایی و وقار و ادب و معصومیت، در چشمان ام البنین علیها السلام موج می زد. با ورود آنان، صدای هلله و شادمانی برخاست. شادی و خوشحالی در رخسار گل گرفته فاطمه به چشم می خورد و علی علیه السلام از احساس شرم و شادی سرشار بود. در آن میانه، فرزندان زهرا علیها السلام نیز نظاره گر آن جشن شادی بودند.

ام البنین علیها السلام به خانه علی علیه السلام آمد، ولی هیچ گاه نخواست جایگاه زهراى اطهر علیها السلام را جست و جو کند؛ زیرا می دانست قطره در برابر دریا توان خودنمایی ندارد. او نخست، نام خود را تغییر داد تا فرزندان زهرا با شنیدن نام مادرشان ناراحت نشوند و احساس نکنند کسی جانشین مادرشان شده است. ایشان با عشق و محبت و خدمت به فرزندان زهرا

علیهاالسلام، کانون گرم خانه را گرم تر و پرفروغ تر کرد. عباس علیه السلام به دنیا آمد. ام البنین علیهاالسلام کام فرزند دلبندها را با عشق به اهل بیت علیهم السلام گرفت.

او فرزندش را دوست داشت، ولی نه به اندازه حسن و حسین علیهماالسلام. او آرزو داشت فرزندش در مکتب فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، شاگردی کند و از انوار قدسی آنان بهره گیرد. این اخلاص، به حقیقت پیوست و ام البنین علیهاالسلام و فرزندانش در پرتو محبت به اهل بیت علیهم السلام، چراغ راه بشریت در همیشه تاریخ شدند.

ام البنین علیهاالسلام و شهادت علی علیه السلام

ام البنین علیهاالسلام و شهادت علی علیه السلام

وقتی شمشیر ابن ملجم در سحرگاه نوزدهم رمضان، پیشانی مبارک علی علیه السلام را شکافت و امام علیه السلام در بستر افتاد، همه کسان و همسرانش به جنب و جوش افتادند تا شاید امام بهبودی پیدا کند. در این میان، تلاش سخت کوشانه ام البنین علیهاالسلام چشمگیر بود، ولی ضربت زهر آگین شمشیر کاری بود و امام عاشقانه شور پرواز در سر داشت. لحظه هجران فرا رسیده بود و علی علیه السلام عزم سفر داشت.

ام البنین علیهاالسلام باید با شوهر مهربانش وداع کند؛ شوهری که خلاصه تمام خوبی ها و کمالات انسانی و الهی بود. سرانجام بار مصیبت بر دوش بشریت فرو ریخت و روح علی در شامگاه ۲۱ رمضان سال ۴۰ هـ. ق به عرش الهی پر کشید. ام البنین علیهاالسلام ماند و کوله باری از مصیبت و درد؛ مصیبتی که بر او سنگینی می کرد.

فصل پنجم: ام البنین علیها السلام و عاشورا

برخی پژوهشگران درباره زنده بودن حضرت ام البنین علیها السلام هنگام واقعه عاشورا و پس از آن، تردید کرده اند که به بررسی آن ها می پردازیم. نویسنده کتاب ام البنین؛ سیده النساء العرب به طور کامل به این بحث پرداخته و به اشکال های مطرح شده، پاسخ داده است. ما در این نوشتار، این پرسش ها و پاسخ ها را می آوریم.

علامه عبدالرزاق مقّم در کتاب حدیث کربلا و علامه مظفری در کتاب بطل العلقمی، زنده بودن ام البنین علیها السلام هنگام حادثه کربلا را رد می کنند. مقّم می نویسد:

بر سند مورد اعتمادی که به صراحت بر زنده بودن ام البنین علیها السلام در هنگام عاشورا دلالت کند، دست نیافتیم. (۱)

دلایل مقّم به قرار زیر است:

۱. برپا شدن مراسم عزاداری در خانه ام البنین علیها السلام، دلیل درستی بر زنده بودند ایشان نیست.

۲. وی به کتاب شرح الکامل که نویسنده ابصار العین بدان استناد می کند و سروده های ام البنین علیها السلام را در بقیع می آورد، دست نیافته است.

۳. رجال روایتی که ابوالفرج درباره حضور ام البنین علیها السلام در بقیع

ص: ۳۴

۱- ام البنین؛ سیده النساء العرب، ص ۷۳، برگرفته از: کتاب حدیث کربلا، ص ۴۲۰.

آورده، ضعیف است.

۴. شنیدن صدای زن (نوحه و زاری کردن زن به گونه ای که مردان صدای او را بشنوند) در اسلام نهی شده است. از این رو، گریستن مروان بن حکم بر شهیدان کربلا در اثر نوحه سرایی ام البنین علیهاالسلام پذیرفتنی نیست.

۵. درباره برادران عباس آمده است که آنان پیش از عباس علیه السلام به شهادت رسیدند و ارث آن ها به عباس علیه السلام و از او به فرزندش رسید. اگر ام البنین علیهاالسلام در آن هنگام زنده بود، باید ارث برادران عباس به مادرشان برسد، نه به عباس.

پاسخ های داده شده به دیدگاه مقرر نیز چنین است:

۱. اگر به پا داشتن عزا در خانه ام البنین علیهاالسلام بر زنده بودن وی دلالت نکند، بر وفات وی نیز دلالت نمی کند. با این حال، برپایی مراسم عزا در خانه ام البنین علیهاالسلام می تواند تأییدی برای زنده بودن وی باشد.

۲. دست نیافتن بر کتاب شرح الکامل نمی تواند دلیل بر نبود آن باشد. سید مهدی سویج می نویسد:

من آن [شرح الکامل] را در کتاب خانه آل باشعیان در بصره دیدم و مرور کردم. (۱)

۳. درباره ضعیف بودن روایت ابوالفرج از نظر رجال، باید گفت همین روایت را مقرر در کتاب العباس خود می آورد دو به آن اعتماد می کند. (۲) پس چگونه است که در این جا به آن اعتماد نمی کند؟

ص: ۳۵

۱- ام البنین؛ سیده نساء العرب، ص ۸۴.

۲- العباس، صص ۱۱۳ - ۱۱۴، برگرفته از: ام البنین؛ سیده نساء العرب، ص ۷۳.

۴. این که گریستن مروان بن حکم به سبب مرثیه سرایی ام البنین علیهاالسلام دور از انتظار باشد، بسیار بعید می نماید؛ زیرا عمر بن سعد که خود مباشر اصلی شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش بود، بارها در مصیبت آن حضرت، اشک ریخت. حتی یزید بن معاویه نیز در این مصیبت گریست. البته می دانیم که این گریستن ها جنبه سیاسی داشته است و آنان برای آن که خود را بی گناه نشان دهند، چنین می کرده اند.

۵. دیدگاه مقرر درباره دور از انتظار بودن گریه و نوحه زنان با صدای بلند، نظری نادرست است؛ زیرا در سنت پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام این گونه نوحه سرایی ها صورت می گرفته است.

برای نمونه، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم از ندبه و گریه بلند زنان بر کشتگان اُحد نهی نفرمود، بلکه به این کار اجازه داد و چون کسی بر حمزه - عموی گرامی آن حضرت - نمی گریست، ناراحت شد. هم چنین امام باقر علیه السلام مبلغ مشخصی را وقف کرد تا نوحه گران به مدت ۱۰ سال در موسم منی برای آن حضرت ندبه کنند. (۱)

در نتیجه، هیچ نقل تاریخی معتبری مبنی بر درگذشت ام البنین علیهاالسلام پیش از عاشورا، در دست نیست هم چنان که روایت معتبری نیز درباره زنده بودن آن حضرت در منابع دست اول وجود ندارد. کسانی که به وفات ام البنین علیهاالسلام پیش از عاشورا اعتقاد دارند، بیش تر به روایت ابوالفرج اصفهانی درباره شهادت عباس و برادرش استناد کرده اند. در آن روایت، حضرت عباس علیه السلام وارث برادرانش شمرده شده است. از این

ص: ۳۶

۱- اصول کافی، شیخ کلینی، ج ۵، ص ۱۱۷؛ بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۲۲۰، برگرفته از: منتهی الآمال، محدث قمی، تحقیق: ناصر باقری بیدهندی، ج ۲، ص ۱۳۲۸.

رو، منکران با استناد به آن و این که اگر ام البنین علیها السلام زنده می بود، ارث به او می رسید، وفات ایشان را پیش از عاشورا دانسته اند. گفتنی است این روایت هم از نظر متن و هم از نظر سند درست نیست. بنابراین، به آسانی می توان زنده بودن ام البنین علیها السلام را در واقعه کربلا پذیرفت.

ام البنین علیها السلام و سفر امام حسین علیه السلام

ام البنین علیها السلام و سفر امام حسین علیه السلام

با مرگ معاویه در سال ۶۰ هـ. ق و به تخت نشستن یزید، ولید بن عُتبّه به دستور او کوشید تا حسین بن علی علیه السلام را به بیعت با خود وادارد، ولی امام حسین علیه السلام تسلیم نشد. او اسلام و همه تلاش های پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و علی علیه السلام و همه خون های شهیدان اسلام را با حکم رانی یزید بر باد رفته می دید. از این رو، به نشانه سرپیچی از بیعت با یزید، به مکه هجرت کرد پس از آن که امام حسین علیه السلام، مسلم بن عقیل را به کوفه فرستاد و او آمادگی اهل کوفه را به امام اعلام داشت، ایشان تصمیم گرفت به سوی کوفه حرکت کند. این تصمیم، با رسیدن خبرهایی مبنی بر قصد ترور امام در خانه کعبه به دست کارگزاران حکومت یزید هم زمان شد. در نتیجه امام مکه را پیش از انجام مناسک حج به سوی کوفه ترک کرد. در این سفر، ام البنین علیها السلام با کاروان همراه نبود که این مسأله ممکن است به دلیل بیماری، سالخوردگی یا درخواست امام باشد. افزون بر این، به نظر می رسد هیچ یک از همسران امام علی علیه السلام و رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در این سفر با آن حضرت نبوده اند. بنابراین، او در کنار کسانی مانند امّ سلمه ماند.

لحظه وداع این مادر بزرگوار با فرزندان رشیدش، بسیار شورانگیز بود. مادری، چهار عزیز خود را در سفر به همراه حسین علیه السلام بدرقه

می کرد. لحظه وداع دیدنی بود؛ فضا سراسر اشک و احساس و عاطفه بود. نخست فرزند کوچک تر به آغوش مادر رفت. ام البنین علیهاالسلام او را بویید و بوسید. سپس تک تک فرزندان با مادر خداحافظی کردند. آن گاه نوبت به عباس رسید؛ او بزرگ ترین و رشیدترین فرزندانش بود، ولی دل بریدن مادری مانند ام البنین علیهاالسلام از پسری هم چون عباس علیه السلام بسیار سخت و سنگین می نمود. سرانجام پس از بارها بوسه زدن بر گونه های عباسش، سر او را بر سینه خود گذاشت و دستان او را در دستانش گرفت. لحظه ای به سیمای نورانی و زیبای او چشم دوخت و دوباره او را در آغوش فشرد. آن گاه نخست، سفارش برادرانش را به او کرد. سپس به عباس، جعفر، عبدالله و عثمان رو کرد و گفت:

پسرانم! عزیزانم! چشم و دل مولایم حسین علیه السلام و فرمان بردار او باشید. (۱)

شما فدایان حسینید. هرگز از او دست برندارید و تا آخرین قطره خونتان از او حمایت کنید.

ام البنین علیهاالسلام این چنین، غمگینانه با فرزندانش و امام حسین علیه السلام و کاروانش خداحافظی کرد.

ام البنین علیهاالسلام پس از عاشورا

ام البنین علیهاالسلام پس از عاشورا

پس از آن که نهضت عاشورا، در کربلا- به خون نشست، کاروان عترت و پیام آوران شهادت پس از حضور افشا گرانه در کوفه و شام، به سوی مدینه حرکت داده شدند. وقتی کاروان به نزدیک مدینه رسید، امام سجاد علیه السلام به حرکت حماسی و سیاسی دیگری دست زد.

ص: ۳۸

۱- ام البنین؛ نماد از خود گذشتگی، ص ۲۴.

بشیر می گوید:

وقتی به نزدیکی مدینه رسیدیم، امام علی بن الحسین علیه السلام فرود آمد. بار شترش را پایین آورد. چادرش را نصب کرد و فرمود: ای بشیر! خدا پدرت را رحمت کند. او شاعر خوبی بود. آیا تو نیز از شعر بهره ای داری؟ گفتم: آری! امام علیه السلام فرمود: به مدینه برو و خبر شهادت پدر و عزیزانم را به اهل مدینه برسان. (۱)

مدینه به ظاهر آرام بود، ولی روزها بود که در انتظار شنیدن خبری دهشتناک به سر می برد. بشیر با شنیدن دستور ولی خدا، بر اسب سوار شد و با سرعت خود را به مدینه رساند. وارد مسجد النبی صلی الله علیه و آله وسلم شد. صدا را به گریه بلند کرد و با حالتی غمناک، با دو بیت شعر به انتظار تلخ اهل مدینه پایان داد:

يَا أَهْلَ يَثْرَبَ لَا مَقَامَ لَكُمْ بِهَا

قَتَلَ الْحُسَيْنُ فَأَذْمَعِي مِذْرَارُ

الْجِسْمُ مِنْهُ بِكَرْبَلَاءَ مُصَرَّجُ

و الرُّأْسُ مِنْهُ عَلَى الْقَنَاءِ يُدَارُ (۲)

- ای اهل مدینه! دیگر در مدینه نمانید؛ زیرا حسین علیه السلام کشته شد. پس فراوان اشک بریزید. بدن حسین علیه السلام در کربلا، در خاک و خون غلتید؛ در حالی که سرش بر بالای نیزه به این شهر و آن شهر برده می شد.

با اعلام این خبر، مدینه یکپارچه در عزا و شیون نشست. زنان از خانه های خود بیرون آمدند، صورت هایشان را خراشیدند، فریاد ماتم سر دادند و بر مظلومیت حسین علیه السلام و یارانش گریستند.

در آن میانه شور و شیون، ام البنین علیها السلام، مادر شکیبا و صبور عباس

ص: ۳۹

۱- اللهوف الملهوف علی قتلی الطفوف، سید بن طاووس، ص ۱۴۳.

۲- اللهوف الملهوف علی قتلی الطفوف، سید بن طاووس، ص ۱۴۲.

علیه السلام، خود را به بشیر رساند و فرمود:

«بشیر! از حسین برایم بگو». بشیر گفت: در سوگ چهار فرزند شجاعاً به تو تسلیم می گویم.

نگاه ام البنین علیها السلام به بشیر خیره شد و دوباره تکرار کرد: «بشیر: گفتم از حسینم چه خبر آوردی؟ حسینم چه شد؟ فرزندانم فدای حسین علیه السلام باد».^(۱)

آری، برای ام البنین علیها السلام، وجود امام و مقتدایش از همه کس مقدم بود. آفرین بر این فضیلت و ایمان و مرحبا به این بزرگواری و وفا. او بار دیگر رو به بشیر کرد و گفت: اگر حسین زنده باشد، کشته شدن چهار فرزندم برایم آسان است.^(۲)

دیدار زینب علیها السلام با ام البنین علیها السلام

دیدار زینب علیها السلام با ام البنین علیها السلام

پس از آمدن اهل بیت علیهم السلام به مدینه و دیدارشان از مرقد نورانی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و بقیع، مجالس عزا و ماتم در خانه های بنی هاشم برپا شد منزل ام البنین علیها السلام یکی از این خانه ها بود.

ام البنین علیها السلام که چهار فرزندش را در راه امام حسین علیه السلام قربانی کرده بود، سال ها افتخار مادری حسین را داشت. بنابراین، حضرت زینب علیها السلام به دیدار او رفت و از او دلجویی کرد.

نقوی در کتاب زینب کبری علیها السلام می نویسد:

حضرت زینب علیها السلام پس از بازگشت به مدینه، به دیدار ام البنین علیها السلام می رفت

ص: ۴۰

۱- تنقیح المقال، ج ۲، ص ۱۲۸.

۲- ادب الطفّ او شعراء الحسین علیه السلام، ج ۱، ص ۷۴؛ تنقیح المقال، ج ۲، ص ۱۲۸.

هم چنان که در ایام عید چین می کرد. (۱)

علامه مقرر نیز به دیدار زینب علیها السلام با وی اشاره می کند و آن را به دلیل بزرگواری و جایگاه بلندش نزد اهل بیت علیهم السلام می داند. (۲)

نوحه سرایی ام البنین علیها السلام در بقیع

نوحه سرایی ام البنین علیها السلام در بقیع

سنگینی مصیبت امام حسین علیه السلام و لزوم پاسداری از نهضت عاشورا و رساندن پیام آن به آیندگان اقتضا می کرد که بازماندگان و وابستگان این حادثه، آن را با هر روش ممکن زنده نگاه دارند. یکی از این راه ها، برپایی مراسم سوگواری و عزای عمومی بود. ام البنین علیها السلام یکی از کسانی بود که این وظیفه مهم را بر عهده گرفت و آن را به انجام رسانید. بی شک، این موضوع افزون بر بار سیاسی، بار عاطفی نیز داشته است.

گفتیم که ام البنین علیها السلام سخنوری توانا و شاعری خوش بیان بود. (۳)

وی به همراه فرزند عباس - عیدالله - در بقیع حاضر می شد و بر شهیدان کربلا نوحه سرایی می کرد. (۴)

نویسنده کتاب ابصار العین، شعر زیر را از شرح الکامل ابوالحسن اخفش نقل می کند و آن را از سروده های ام البنین علیها السلام در ماتم فرزندش (عباس) می داند:

ص: ۴۱

۱- زینب الکبری، ص ۸۸، برگرفته از: ام البنین؛ سیده نساء العرب، ص ۵۰.

۲- العباس، ص ۱۳۳.

۳- اعلام النساء، ج ۴، ص ۴۰؛ اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۳۸۹.

۴- مقاتل الطالبین، ص ۹۰.

يَا مَنْ رَأَى الْعَبَّاسَ كَ

رَّ عَلَى جَمَاهِيرِ النَّقْدِ

وَ وَرَاهُ مِنْ ابْنَاءِ حَيٍّ

دَرِ كُلِّ لَيْثٍ ذِي لُبِّدٍ

أُنْبِئْتُ أَنَّ ابْنَ أُصَيْبٍ

بِرَأْسِهِ مَقْطُوعٌ يَدٍ

وَيَلِي عَلَى شِبْلِي أَمَا

لَ بَرَأْسِهِ ضَرْبُ الْعَمَدِ

لَوْ كَانَ سَيْفُهُ فِي يَدَيْهِ

لَمَا دَنَا مِنْهُ أَحَدٌ (۱)

ای کسانی که حمله جانانه عباس را بر گله های گوسفند دیدید و نیز در پی او، فرزندان حیدر را که هر کدام شیری هستند که دست از یاری اش بر نمی دارند. آه! به من خبر داده اند که بر سر فرزندم عباس، عمود آهنین زدند، در حالی که دست در بدن نداشته است. وای بر من! که بر سر فرزندم عمود فرود آمد. اگر فرزندم عباس، دست در تن و شمشیر در کف داشت، چه کسی را یارای آن بود که به او نزدیک شود؟

بدین سان ام البنین علیها السلام برای حسین علیه السلام و فرزندانش عزاداری می کرد و حتی فرزند خردسال عباس را نیز به همراه می برد. او چنان سوگمندانه نوحه سر می داد که همگان را به گریه وا می داشت. درباره درست بودن اسناد این اشعار به ام البنین علیها السلام، باید گفت: به یقین بنا بر آن چه گفته شد ام البنین علیها السلام در هنگامه عاشورا زنده بوده و به بقیع نیز آمده است. البته درباره این که اشعار یاده شده را او سروده باشد، سند محکمی در دست نیست.

گفتنی است ابیات دیگری را نیز به ام البنین علیها السلام نسبت داده اند، مانند

ص: ۴۲

۱- ابصار العین، ص ۶۴؛ سفینه البحار، ج ۱، صص ۵۰۹ - ۵۱۱۰؛ اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۳۸۹؛ ادب الطّیّف، ج ۱، ص ۷۱؛ زینب الکبری ص ۲۶؛ المجالس السّتیّه، ص ۱۱۴؛ ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۲۹۴؛ نقته المصدور، ص ۵۹۹.

این موارد

لَا تَدْعُونِي وَبِكِ امِّ الْبَنِينَ

تُذَكِّرُنِي بِلِيُوثِ الْعَرِينِ

كَانَتْ بَنُونَ لِي أُدْعَى بِهِمْ

وَالْيَوْمَ أَصْبَحْتُ وَلَا مِنْ بَنِينَ

أَرْبَعَهُ مِثْلَ نُسُورِ الرَّبِيِّ

قَدْ وَاصَلُوا الْمَوْتَ بِقَطْعِ الْوَتِينِ

تَنَازَعُ الْحِرْصَانَ أَشْلَاءَهُمْ

فَكُلُّهُمْ أَمْسُوا صَرِيحًا طَعِينِ

يَا لَيْتَ شِعْرِي أَكَمَا أَخْبَرُوا

بِأَنَّ عَبَّاسًا مَقْطُوعَ الْيَدَيْنِ (۱)

ای زنان مدینه! دیگر مرا ام البنین مخوانید و مادر شیران شکاری ندانید.

من فرزندانم داشتم که به سبب آن‌ها مرا ام البنین می‌گفتند، ولی اکنون دیگر برای من فرزندی نمانده و همه را از دست داده‌ام.

آری! من چهار باز شکاری داشتم که آن‌ها را هدف تیر قرار دادند و سر از تنشان جدا کردند.

دشمنان با نیزه‌های خود بدن‌های پاک آنان را از هم متلاشی کردند و در حالی روز را به پایان بردند که همه آنان با جسد چاک چاک بر روی خاک افتاده بودند.

ای کاش! می‌دانستم آیا این خبر درست است که دست‌های فرزندم عباس علیه السلام را از تن جدا کردند. (۲)

ام البنین علیها السلام با این حرکت پر شور و شعور خود، هم‌زمان به چند کار اساسی دست زد:

۱. بیان حماسه عاشورا و دلیری و شجاعت فرزندان خود؛

۲. نمایاندن مظلومیت حق و حقیقت؛

-
- ١- ابصار العين، ص ٦٤، سفينه البحار، ج ١، ص ٥١١٠؛ نقته المصدور، ص ٥٩٩؛ المجالس السنيه، ص ١١٤؛ اعيان الشيعة، ج ٨ ص ٣٨٩؛ ادب الطّف، ج ١، ص ٧١؛ معالى السبطين، ص ٤٣٢.
- ٢- ستاره درخشان مدينه؛ حضرت ام البنين، ص ١٣٧.

۳. بازگو کردن تاریخ کربلا و اعتراض به حکومت جابرانه و ظالمانه یزید و امویان.

ص: ۴۴

اشاره

فصل ششم: به سوی ابدیت

زیر فصل ها

زمان و مکان وفات ام البنین علیها السلام

فضیلت بقیع

زیارت نامه ام البنین علیها السلام

فرزندان و نوادگان ام البنین علیها السلام

زمان و مکان وفات ام البنین علیها السلام

زمان و مکان وفات ام البنین علیها السلام

تاریخ درگذشت این بانوی نامدار و سترگ در هیچ یک از کتاب های معروف تاریخی و روایی نیامده است. سنّ وی در هنگام وفات نیز مشخص نشده است. در کتاب ستاره درخشان مدینه؛ حضرت ام البنین علیها السلام، سال وفات آن حضرت، سال ۷۰ هـ. ق آورده شده است، بی آن که به مدرک معتبری استناد دهد. نویسنده کتاب سیده نساء العرب نیز با توضیحاتی، سال وفات ایشان را سال ۶۴ هـ. ق دانسته است.

سرانجام، زنی که عمری را در راه عشق به ولایت اهل بیت علیهم السلام گذراند، جام زندگانی جاویدان نوشید و از غم دنیا آسوده شد؛ بانویی که زندگانی اش سراسر مهر و عاطفه و مبارزه بود؛ بانویی که همسر شهید، مادر شهید و یکی از پیام رسانان خونین عاشورا بود و همه چیز خود را در راه خدا، خالصانه تقدیم کرد. وی را در قبرستان بقیع و در کنار آرامگاه امام مجتبی علیه السلام، فاطمه بنت اسد، به خاک سپردند. سنّ او را در هنگام وفات می توان میان ۶۰ تا ۶۵ سال حدس زد.

فضیلت بقیع

فضیلت بقیع

قبرستان بقیع، در تاریخ اسلام و مسلمانان جایگاهی نمادین دارد و بسیاری از بزرگان اسلام در آن آرمیده اند. آرامگاه مطهر و نورانی چهار امام شیعه: امام حسن مجتبی علیه السلام، امام سجاد علیه السلام، امام باقر علیه السلام و امام

صادق علیه السلام، و احتمال وجود آرامگاه بانوی بزرگوار اسلام، حضرت زهرا علیها السلام به این قبرستان، منزلتی قدسی بخشیده است، به گونه ای که زیارت آن آرزوی بزرگ هر مسلمانی است. نخستین کسی از مهاجران که در این قبرستان به خاک سپرده شد، عثمان بن مظعون از یاران با وفای رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم است. که مردی زاهد و عابد و صالح بود.

نویسنده تراث الحرمین می گوید:

بیش از ده هزار تن از اصحاب و تابعین در این قبرستان آرمیده اند. (۱)

افراد مشهور دیگری که در قبرستان بقیع مدفون شده اند، عبارتند از:

۱. ابراهیم؛ پسر رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم که در کودکی در گذشت. گفته اند آرامگاه وی نزدیک بیت الاحزان حضرت زهرا علیها السلام قرار دارد.

۲. عقیل بن ابی طالب علیه السلام. البته برخی آرامگاه وی را در شام دانسته اند.

۳. فاطمه بنت اسد علیها السلام - مادر حضرت علی علیه السلام - که در روجاء بقیع واقع است.

۴. عباس بن عبدالمطلب در قبرستان بنی هاشم.

۵. صفیه دختر عبدالمطلب مادر زبیر عمه رسول اسلام صلی الله علیه و آله وسلم.

۶. عبدالله بن جعفر طیار؛ همسر زینب کبری علیها السلام، قهرمان کربلا.

۷. سه قبری که نزدیک یکدیگرند و گفته می شود که آرامگاه زینب، رقیه و ام کلثوم، دختران رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم باشد.

۸. حلیمه سعدیه؛ دایه گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم.

۹. اسماعیل بن جعفر الصادق علیه السلام.

ص: ۴۶

۱۰. عبدالله بن مسعود. به وصیت خودش، وی را نزدیک عثمان بن مظعون به خاک سپردند.

۱۱. سعد بن معاذ از بزرگان انصار و اصحاب رسول اسلام.

۱۲. ابوسعید خدری از فقیهان روزگار خود. (۱)

حضرت ام البنین علیها السلام را در این قبرستان پر عظمت تاریخی اسلام به خاک سپردند.

ام البنین علیها السلام مادر فرزندی است که وفاداری، محبت و ادب را در سخت ترین لحظه های زندگی از یاد نبردند؛ مادر عباسی که به یاد لب های تشنه مولایش، آب از کف فرو ریخت؛ مادر مردانی که حسین دوستی و ولایت پذیری، با شیره جان و قطره های خونشان سرشته بود.

زیارت نامه ام البنین علیها السلام

زیارت نامه ام البنین علیها السلام

درباره حضرت ام البنین علیها السلام زیارت نامه ای از ناحیه ائمه معصومین علیه السلام نرسیده است هم چنان که درباره بسیاری دیگر از امام زادگان نیز چنین است. با وجود این، مؤمنان برای سهولت در زیارت و برشمردن فضایل آن بزرگوار، به تدوین زیارت نامه هایی اقدام کرده اند؛ از جمله حضرت ام البنین علیها السلام دارای زیارت نامه ای است که براساس ویژگی ها و فضیلت های ایشان تنظیم شده است. (۲)

فرزندان و نوادگان ام البنین علیها السلام

اشاره

فرزندان و نوادگان ام البنین علیها السلام

زیر فصل ها

الف) فرزندان ام البنین علیها السلام

ب) نوادگان ام البنین (۳)

الف) فرزندان ام البنین علیها السلام

الف) فرزندان ام البنین علیها السلام

ام البنین علیها السلام، چهار فرزند پسر برای علی علیه السلام به دنیا آورد: عباس، عبدالله، جعفر و عثمان که این چهار

بزرگوار در حادثه کربلا، جام شهادت نوشیدند.

ص: ۴۷

۱- ستاره درخشان مدینه؛ حضرت ام البنین، صص ۲۳۲ - ۲۳۵.

۲- ستاره درخشان مدینه؛ حضرت ام البنین، ص ۱۸۴.

۳-

۱. عباس بن علی بن ابی طالب: عباس بزرگ ترین فرزند ام البنین علیها السلام است و بنا بر نقل تاریخ نویسان در چهارم شعبان سال ۲۶ هـ. ق به دنیا آمده است.

علی علیه السلام در روز هفتم تولد ایشان، وی را عباس نامید و گوسفندی برای او قربانی کرد. هم چنین دستور داد تا سرش را بتراشند و به مقدار وزن مویش، نقره صدقه دهند. (۱)

عباس علیه السلام در پرتو آموزش های امیرالمؤمنین علیه السلام و ام البنین علیها السلام پرورش یافت. برخی معتقدند آن حضرت با وجود کوچکی سن، در برخی جنگ های زمان علی علیه السلام مانند نبرد صفین شرکت داشته است. عباس؛ بلند بالا، تنومند و هم چون ماه شب چهارده زیبا بود. (۲)

شجاعتش وصف ناپذیر و بی مانند بود، به گونه ای که وجود مبارک وی در کربلا، مایه آرامش و قوت قلب اهل بیت امام حسین علیه السلام و سبب وحشت لشکریان عمر سعد می شد.

امام حسین علیه السلام او را بسیار گرامی می شمرد. از این رو، در شب عاشورا وقتی او را به سوی لشکر عمر سعد می فرستاد، فرمود: «بنفسی انت؛ جانم فدایت باد». (۳)

عباس علیه السلام نیز با تمام توانش، بااخلاص و فروتنی در خدمت برادرش، حسین علیه السلام جان نثاری کرد. شب عاشورا در میان یاران اباعبدالله علیه السلام، او نخستین کسی بود که زبان به سخن گشود و وفاداری

ص: ۴۸

۱- ام البنین؛ سیده نساء العرب، ص ۵۶.

۲- ام البنین؛ سیده نساء العرب، ص ۵۷.

۳- منتهی الآمال، ج ۲، ص ۷۹۳؛ الارشاد، ج ۲، ص ۸۱؛ بحارالانوار، ج ۴۴، صص ۳۹۱ - ۳۹۲؛ العوالم، ج ۱۷، ص ۲۴۲.

و فداکاری خویش را اعلام کرد. (۱)

هم چنین در عصر عاشورا، پس از شهادت یاران و بنی هاشم و سه برادر دیگرش، از امام برای رفتن به میدان اجازه گرفت. حسین علیه السلام به وی امر فرمود که آب آورد. پس به سوی شریعه فرات روانه شد و خود را به آب رساند. همین که خواست از آب بنوشد، تشنگی برادر و اهل بیت او را به یاد آورد؛ آب را فرو ریخت و با مشک پر آب به سوی خیمه بازگشت. لشکریان عمر سعد راه را بر او بستند و به سوی وی حمله ور شدند. دست راست و سپس دست چپش را جدا ساختند.

عباس مشک آب را به دندان گرفت که ناگاه آن را با تیری دریدند. سپس با عمودی آهنین بر فرق مبارکش زدند که از اسب بر زمین افتاد. حسین علیه السلام بر بالینش حاضر شد. با صدای بلند گریست و فرمود: «اکنون پشتم شکست و چاره ام گسست». (۲)

رجزخوانی عباس علیه السلام در میدان جنگ معروف است که می فرمود:

والله ان قطعتوا یمینی

انی احامی ابداء عن دینی

به خدا سوگند، اگر دست راستم را قطع کنید، همواره از دینم هوا داری می کنم.

۲. عبدالله بن علی بن ابی طالب: وی دومین فرزند ام البنین علیها السلام است. به ظاهر، او و عباس علیه السلام نزدیک به ده سال باهم فاصله سنی داشته اند.

چنان که در کربلا، ابوالفضل علیه السلام ۳۴ ساله و عبدالله ۲۵ ساله بوده

ص: ۴۹

۱- منتهی الآمال، ج ۲، ص ۷۹۶.

۲- مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۰۴؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۱؛ نفس المهموم، ص ۳۰۷.

۳. جعفر بن علی بن ابی طالب: او ۱۹ یا ۲۱ سال داشت و پس از عبدالله به میدان رفت و به شهادت رسید.

۴. عثمان بن علی بن ابی طالب: وی شجاعانه با این رجز پای به میدان نهاد:

من عثمانم که آقام علی علیه السلام است و به ایشان افتخار و مباحات می کنم. برادرم نیز حسین علیه السلام است که بهترین نیکوکاران و سرور عترت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و علی علیه السلام است. (۲)

سن وی را هنگام شهادت ۲۱ سال دانسته اند. (۳)

پژوهش درباره یک مسأله

ابوالفرج اصفهانی در مقاتل الطالبین می نویسد:

عباس آخرین کس از برادران پدر و مادری اش بود که به شهادت رسید؛ زیرا او فرزند داشت و آنان نداشتند. پس نخست برادران خود را به میدان فرستاد. آنان به میدان رفته و به شهادت رسیدند. آن گاه ارث آنان به عباس و سپس به فرزندش عبیدالله رسید.

این نقل از نظر متن و سند، اشکال دارد. چگونه می شود عباس که آن گونه نسبت به برادر خود جان فشانی می کند، در آن لحظه های عرفانی و آسمانی این گونه بیاندیشد. عباس بن ابی شیب شاکری، شوذب - غلام شاکر - را پیشاپیش خود به سوی دشمن می فرستد و می گوید: «اگر فردی از تو نزدیک تر داشتم، دوست داشتم او را روانه جنگ کنم و شهادت او را ببینم». (۴) حال آیا رواست بگوییم، عباس علیه السلام برادرانش را جلوتر به میدان

ص: ۵۰

۱- بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۳۸؛ معالی السبطين، ص ۴۳۱.

۲- بحارالانوار، ج ۴۵، صص ۳۷ - ۳۸؛ مقاتل الطالبین، صص ۸۸ - ۸۹؛ مناقب، ج ۴، ص ۱۰۷.

۳- مقاتل الطالبین، ص ۸۹.

۴- تاریخ طبری، ج ۵، صص ۴۴۳ - ۴۴۴.

فرستاد تا وارث آنان گردد و سهم ارث پسرش بیش تر شود. (۱)

از نظر سند نیز رجال این حدیث اعتبار ندارد؛ زیرا راوی آن نوفلی است و رجالی شناسان او را ضعیف الحدیث دانسته اند. (۲)
اگر این حدیث از فرد ناشناسی هم باشد، باز قابل اعتماد نخواهد بود.

(ب) نوادگان ام البنین

(ب) نوادگان ام البنین (۳)

به جز عباس علیه السلام دیگر پسران ام البنین علیها السلام فرزندی نداشته و به احتمال زیاد، دارای همسر نیز نبوده اند.

عروس ام البنین علیها السلام و همسر ابوالفضل علیه السلام، لبابه دختر عبدالله بن عباس بن عبد المطلب است. بنا بر دیدگاه مشهور، عباس علیه السلام دو فرزند پسر به نام های فضل و عبیدالله داشته است. البته برخی شمار آن ها را شش تن دانسته اند و حسن، قاسم، محمّد و دختری بی نام را نیز بدان ها افزوده اند. نوادگان ام البنین علیها السلام و عباس علیه السلام از عبیدالله است و نوادگان عبیدالله نیز از فرزندش حسن هستند. در این جا نام شماری از سر آمدان خاندان ام البنین علیها السلام و فرزندان قمر بنی هاشم علیه السلام را می آوریم:

۱. عبیدالله بن عباس: وی به کمال، جوان مردی و زیبایی مشهور بود و او را رئیس لقب داده بودند. (۴) او در ۵۵ سالگی درگذشت. (۵)

۲. فضل بن حسن بن عبیدالله: وی سخنور، خوش بیان و دلیر بوده است. به وی ابن هاشمیّه می گفتند. او نزد خلفا نیز موقعیتی داشت. نوادگانش از

ص: ۵۱

۱- تاریخ سیدالشهداء، عباس صفایی حائری، ص ۴۷۳.

۲- تهذیب التهذیب، ابن حجر عسقلانی، ج ۸، ص ۲۵.

۳- ام البنین؛ سیده نساء العرب، صص ۶۵ - ۶۹؛ ام البنین؛ نماد از خود گذشتگی، صص ۳۴ - ۳۷؛ عمده الطالب، احمد بن علی معروف به ابن عنبه، ص ۳۲۷.

۴- ام البنین؛ سیده نساء العرب، ص ۶۶.

۵- ام البنین؛ نماد از خود گذشتگی، ص ۳۴.

سه پسرش جعفر، عباس و محمد است.^(۱)

۳. فضل بن محمد بن فضل بن حسن بن عبیدالله بن عباس علیه السلام: وی شاعر و سخنوری توانا بود. کنیه او ابوالعباس است. وی درباره مقام جدش حضرت ابوالفضل علیه السلام شعر نیز سروده است.

۴. عباس بن حسن بن عبیدالله بن عباس: او سیدی والا مقام و شاعری خوش بیان بود و در دستگاه هارون الرشید رفت و آمد داشت. «ابونصر بخاری هاشمی زاده ای را که خوش بیان تر از او باشد، ندیده است».

ص: ۵۲

۱- عمده الطالب، ص ۲۸.

فصل هفتم: کرامت های ام البنین علیها السلام

فصل هفتم: کرامت های ام البنین علیها السلام

حضرت ام البنین علیها السلام از زنان بزرگواری است که در گاهش پناهگاه بی کسان و ناامیدان است. از این رو، نزد مسلمانان و شیعیان و دل باختگان آل الله علیه السلام، منزلتی والا دارد و کرامت هایی از او نقل کرده اند که به چند نمونه بسنده می کنیم.

۱. آیت الله العظمی حاج سید محمود حسینی شاهرودی رحمه الله می فرمود:

من در سختی ها، صد مرتبه صلوات برای مادر حضرت عباس علیه السلام جناب ام البنین علیها السلام - می فرستم و حاجت می گیرم. (۱)

۲. آیت الله العظمی سید محمد شیرازی رحمه الله می فرمود:

شخصی در عالم مکاشفه، حضرت قمر بنی هاشم علیه السلام را می بیند و عرض می کند: آقا! من حاجتی دارم؛ به چه کسی متوسل شوم تا حاجتم روا شود؟ حضرت می فرماید: به مادرم ام البنین علیها السلام. (۲)

۳. در کتاب ام البنین؛ ستاره درخشان مدینه، به نقل از آیت الله حاج سید طیب جزایری آمده است:

در سال ۱۳۴۱ ه. ش در یکی از سفرهایم، یکی از عالمان پاکستان را در مشهد دیدم. از او پرسیدم: پس از زیارت مشهد چه می کنید؟ گفت: به

ص: ۵۳

۱- ستاره درخشان مدینه؛ حضرت ام البنین، ص ۱۴۰.

۲- ستاره درخشان مدینه؛ حضرت ام البنین، ص ۱۴۲.

پاکستان برمی‌گردم. گفتم: حیف نیست انسان از پاکستان تا مشهد بیاید، ولی زیارت عتبات نرود؟

سخنم در او اثر کرد و بنا شد او هم با من به کربلا بیاید. از این رو، با هم از مشهد به تهران آمدیم و به سفارت عراق رفتیم، ولی آن جا اوضاع بسیار ناگوار بود و در دادن ویزا سخت‌گیری می‌کردند. به همراه گفتم: می‌خواهی کربلا بروی؟ گفت: پس برای چه از مشهد به تهران آمده‌ام؟ گفتم: هزار صلوات نذر حضرت ام‌البنین علیهاالسلام می‌کنیم، ان شاءالله ویزا می‌دهند.

هر دو نذر کردیم که هزار صلوات هدیه ام‌البنین علیهاالسلام بکنیم. در همین حال همراه گفتم: من نامه ای برای سفیر پاکستان دارم. بیا باهم این نامه را به او برسانیم. به سفارت پاکستان رفتیم. در آن جا نامه را به سفیر دادیم. او بسیار به ما احترام کرد و پرسید: از تهران به کجا می‌روید؟ گفتیم: هر دو عازم عراق هستیم. البته اگر ویزا گیر بیاید. گفت: اتفاقاً من هم می‌خواهم به عراق بروم. کمی صبر کنید تا مدارکم را آماده کنم.

پس از مدتی آمد و گفت: دو نامه به نام شما برای کنسول عراق نوشته‌ام. نامه را گرفتیم و ناامیدانه به سفارت برگشتیم. نامه را به دربان سفارت دادیم. دربان رفت و پس از مدتی با دو فرم برگشت و پرسید: عکس را آورده‌اید؟ گفتم: بله! سپس فرم‌های مخصوص را پر کردیم و همراه عکس و گذرنامه به آن شخص دادیم.

بنا به گفته آن شخص، ساعت یک بعد از ظهر به جلو سفارت رفتیم. نخست اسمی که صدا کردند، اسم ما دو نفر بود. با دلواپسی گذرنامه را

باز کردم. دیدم ویزای سه ماهه زده اند. از خوشحالی اشک از چشمانم سرازیر شد. سپس به زیارت عبدالعظیم حسنی علیه السلام رفتیم و صلوات ها را به روح حضرت ام البنین علیهاالسلام هدیه کردیم.

۴. از آیت الله العظمی حاج ملاعلی معصومی همدانی رحمه الله (معروف به آخوند) نقل شده است:

در یکی از روستاهای همدان، خانمی بود که با وجود آن که سال ها از ازدواجش می گذشت، بچه دار نمی شد. روزی خانم دیگری به او می گوید: نذر کن نام فرزندت را ابوالفضل بگذاری. پس از مدتی خداوند فرزندی به او می دهد و او نامش را ابوالفضل می گذارد. آن فرزند در ۱۴ - ۱۵ سالگی دچار بیماری سختی می شود، به گونه ای که از زنده ماندنش ناامید می شوند. باز همان خانم، به مادر فرزندتوسل به حضرت عباس علیه السلام را سفارش می کند. او نیز چنین می کند. صبح فردا همان خانم به در منزل آن ها می آید و می گوید: خدا فرزندتان را شفا داده است. ناراحت نباشید. می گوید: تو از کجا می دانی؟ پاسخ می دهد: در خواب دیدم گروهی از زنان به سوی خانه شما می آیند که حضرت ام البنین علیهاالسلام نیز در میانشان بود و فرمود: برای شفای این پسر می روم. (۱)

۵. حجت الاسلام حاج سیدجواد موسوی زنجانی می گوید:

یکی از فرزندانم، ناگهان به شدت سرگیجه گرفت و مدام حالت تهوع داشت. او را نزد پزشک بردم. پزشک داروهایی تجویز کرد، ولی هیچ گونه اثر مثبتی نداشت تا این که رفته رفته وضع بیمار وخیم تر

ص: ۵۵

می شد. پس از نیمه شب با دکتر تماس گرفتم و وضعیت را گفتم. وی گفت فوراً او را به بیمارستان منتقل کنید. پس از معاینه، دکتر متخصص گفت: بیماری فرزندتان مننژیت حاد است و تمام مغزش را چرک گرفته و زمان معالجه نیز گذشته است.

با تلاش بسیار، شورای پزشکی تشکیل شد و پزشکانی از خارج از بیمارستان نیز برای معالجه بیمار حاضر شدند. حتی وزیر بهداشتی وقت، در زمینه معالجه بیمار توصیه هایی کرد، ولی معالجه هیچ گونه تأثیری نداشت. فرزندم یک هفته در حال کُما و بیهوشی بود تا این که شب تاسوعا فرا رسید.

وقتی از یک سو، ناتوانی پزشکان در درمان بیمار و از سوی دیگر، نگرانی و شیون مادر و خواهران و بستگان را دیدم، دو رکعت نماز خواندم. سپس صد مرتبه صلوات فرستادم و ثوابش را به حضرت ام البنین علیهاالسلام - مادر قمر بنی هاشم - هدیه نمودم و خطاب به آن بانوی بزرگوار عرض کردم: هر فرزند صالحی مطیع دستورهای مادر خود است. از تو می خواهم از فرزندت - باب الحوائج؛ حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام - بخواهی که شفای فرزندم را از خدا بگیرد.

نزدیک سپیده صبح بود که از بیمارستان تماس گرفتند و گفتند: بیمار از حالت کُما بیرون آمده و شفا یافته است، چنان که گویا مریض نبوده است. با عجله به بیمارستان رفتم و فرزندم را در حالت عادی دیدم. این در حالی بود که پزشکان گفته بودند: اگر به احتمال بسیار ضعیف، خوب هم بشود، حتماً بینایی و شنوایی اش را از دست خواهد داد یا فلج خواهد شد. همان شب، یکی از بانوان مؤمن محل، حضرت عباس علیه السلام را در

خواب دیده بود که حضرت فرموده بود: موسوی شفای فرزندش را از مادرم خواسته بود و من شفای او را از خداوند گرفتم. (۱)

۶. نویسنده کتاب ام البنین؛ نماد از خود گذشتگی می نویسد:

خانواده ای ترک زبان و حنفی مذهب به محله ما آمده بودند که از عزاداری های حسینی بدشان می آمد. در میان آنان خانمی بود به نام وزیره که ده سال از ازدواجش می گذشت، ولی هنوز بچه دار نشده بود. اهل محل به او گفتند: چرا به حضرت ام البنین علیها السلام متوسل نمی شوی؟ گفت: این کار سودی ندارد. به او گفتند: هر کس از غذای سفره ام البنین علیها السلام بخورد و او را در پیشگاه خدا واسطه قرار دهد، خداوند دعایش را می پذیرد. تو نیز چنین کن، شاید خداوند دختری به تو عطا کند و به مبارکی ام البنین علیها السلام، نام او را فاطمه بگذاری. او گفت: می پذیرم به شرط آن که این مطلب میان من و شما باشد و شوهر و خانواده ام از آن آگاه نشوند.

فردا وزیره با نگرانی و هراس، در حالی که صورت خود را با مقنعه ای پوشانده بود، به مجلس روضه ای در منزل حاجیه ام عبدالامیر آمد. نخستین مرحله از ذکر مصیبت ام البنین علیها السلام پایان یافته بود و ناله و گریه زن ها بلند بود. با دیدن حالت گریه زنان، دل وزیره نیز شکست و غم هایش افزونی یافت. روضه خوان پس از شرحی درباره فضایل ام البنین علیها السلام، برای بهبودی بیماران دعا کرد. آن گاه سفره ام البنین علیها السلام پهن شد. وزیره، کمی از خوراکی ها را برداشت و در حالی که اشک هایش جاری بود، از

ص: ۵۷

منزل خارج شد. او و شوهرش آن غذای متبرک را خوردند.

یک ماه پس از این رویداد، رنگ چهره وزیر به زردی می گرایید، به گونه ای که کارهایش را به سختی انجام می داد. شوهرش او را نزد پزشک برد. پزشک می گوید: ناراحتی های او نشانه بارداری است. دوران بارداری گذشت و او دختری به دنیا آورد؛ دختری که مانند شمعی به خانه تاریک آنان روشنی بخشید. وزیر می خواست برای تبرک به نام ام البنین علیهاالسلام نام نوزاد را فاطمه بگذارد، ولی خویشاوندان شوهرش مخالفت کردند و نام نوزاد را بشری گذاشتند و وزیر به خاطر سوگندی که یاد کرده بود، کفاره پرداخت. (۱)

ص: ۵۸

۱- ام البنین علیهاالسلام؛ نماد از خود گذشتگی، ص ۴۲ با گزینش.

بخش دوّم: برگزیده ادب فارسی

اشاره

بخش دوّم: برگزیده ادب فارسی

زیر فصل ها

اشعار

متون ادبی

ص: ۶۰

شعر، درونی ترین لایه های وجود آدمی را متأثر می سازد، احساسات و عواطف پاک انسانی را به خدمت می گیرد و به آن سامان می بخشد. درباره ام البنین علیها السلام نیز اشعاری به عربی و فارسی سروده شده است که در این جا تنها به گزیده ای از اشعار فارسی بسنده می کنیم:

داغِ دلِ ام البنین علیها السلام

داغِ دلِ ام البنین علیها السلام

چشمه خور از فلک چارمین

سوخت ز داغِ دلِ ام البنین

آهِ دلِ پرده نشینِ حیا

بُرده دل از عیسی گردون نشین

دامنش از لَختِ جگر لاله زار

خون دل و دیده روان ز آستین

مرغ دلش زار چو مرغ هزار

داده ز کف چار جوانِ گزین

کعبه توحید از آن چارتن

یافت ز هر ناحیه رکنی رکن

قائمه عرش از ایشان به پای

قاعده عدل از آن ها متین

نغمه داوودی بانوی دهر

کرده بسی آب دل آهنین

زهره ز ساز غم او نوحه گر

مویه گنان، موی گنان حور عین (۱)

ناله و فریاد جهان سوز او

لرزه در افکنده به عرش برین

مفتقر از ناله بانوی دهر

عالمیان تا به قیامت غمین

علامه غروی اصفهانی (کمپانی)

ص: ۶۲

۱- دیوان کمپانی، علامه غروی اصفهانی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۳۸، صص ۱۲۰ - ۱۲۲ با گزینش.

داغ جاودانه

داغ جاودانه

کسی که غم به دلش کرده آشیانه، منم

شرار درد به جانش کشد زبانه، منم

کسی که مادر خوشبخت روزگاران است

و لیک تیر بلا را بود نشانه، منم

کسی که همسری با علی بود فخرش

و لیک غم زده بر هستی اش زبانه، منم

به یاد قبر عزیزان خویشان هر روز

کسی که ساخته اندر بقیع لانه، منم

کسی که چار پسر بوده حاصل عمرش

که از شهادتشان خورده تازیانه، منم

شنیده ام که به چشمش نشست تیر جفا

کسی که باز بر آن تیر شد نشانه، منم

شنیده ام که شده پایمال، جسم حسین

کسی که سوزد از این داغ جاودانه، منم

غریب دشت بلا را دریغ مادر نیست

کسی که گریه بر او کرده مادرانه، منم

دو نازدانه ز عباس من به جا مانده

کسی که سوخته با این دو شمع خانه، منم

قلم زده است مؤید چو در مصیبت من

کسی که شافع او شد بر این بهانه، منم (۱)

سیدرضا مؤید

پیک عزا

پیک عزا

اندر مدینه، پیک عزا از سفر رسید

ز اخبار جان گداز به دل ها شرر رسید

آمد خبر که زاده زهرا شهید شد

ظلم و ستم به عترت خیر البشر رسید

ام البنین نیم که ندارم دگر پسر

از قتل چار تن پسرانم خبر رسید

گویند هر دو دست ابوالفضل شد جدا

خاکم به سر چگونه عمودش به سر رسید؟

بر گو تو ای صبا به ابوالفضل کای جوان

از مرگ ناگهان تو عمرم به سر رسید

عباس! چون تسلی طفلان تو دهم

گویم خبر ز مرگ پدر از سفر رسید؟ (۲)

ص: ۶۳

۱- گل های اشک، سیدرضا مؤید، ص ۲۱۷.

۲- ستاره درخشان مدینه؛ حضرت ام البنین علیهاالسلام ص ۱۶۴.

ام بی بنین

ام بی بنین

چه دارد این شب خونین در آستین، امشب

که نیست صحبتی از صبح راستین امشب

مگر ز هجرت خورشیدها خبر دارد

که صبح کرده نهران روی شرمگین امشب

اگر به گریه خونین بهانه می خواهی

بیا مجسمه داغ را بین امشب

بیا که مادر شیران مستِ عاشورا

به قلب شب زده با ناله ای حزین امشب

بگو که چیست حکایت مگر فضیلت را

فتاده است از انگشتی نگین امشب

چراغ ناله مستانه را بر افروزید

به یاد بی کسی امّ بی بنین امشب

ز شهر شیونِ ام البنین بی فرزند

«فرید» آمده با آهی آتشین امشب (۱)

قادر طهماسبی (فرید)

زبانِ حالِ مادر

زبانِ حالِ مادر

چو لاله داغ دارد، دل غمین است

زبان حال آن مادر چنین است
همی فرمود با قلب حزینی
او یلی کیف لی ام البنینی
مرا ام البنین دیگر ندانید
به این نامم دگر هرگز نخوانید
سخن با من به جز از غم نگویید
دل شاد از من گریان مجوید
شنیدم دست عباسم جدا شد
جدا از تن به دشت کربلا شد
شنیدستم من دل زار خسته
که فرقتش با عمود کین شکسته
شنیدستم که روی خار و خاره
تنش افتاده بی سر، پاره پاره
ولی با این همه، گریان و نالان
منم بهر حسین آن جان جانان(۲)

ص: ۶۴

-
- ۱- پیام زن، تیر ۱۳۷۳، ص ۴۶.
 - ۲- اشک شمع، علی سهرابی صفا، ص ۲۸ (با اندکی گزینش).

نالہ ای جان سوز، دل‌ها را پریشان می‌کند
کیست این غم‌دیده، کز سوز دل‌افغان می‌کند
کیست بانوی سیه‌پوشی که هر روز از قریش
می‌رود اندر بقیع و ناله از جان می‌کند
سال‌ها از ماجرای کربلا بگذشت و باز
این زن غم‌دیده یاد از آن شهیدان می‌کند
در عزای چار فرزندش کند بزمی به پا
شمع آن بزم‌عزا، از اشک چشمان می‌کند
می‌کشد با حسرت بسیار نقش چار قبر
وز غم هر یک خروش از قلب سوزان می‌کند
دم به دم گوید نخوانیدم دگر ام‌البنین
زین بیان، دل‌های جمعی را پریشان می‌کند
چون به یاد آرد ز درد و داغ جان‌سوز حسین
جای اشک از دیده، خون دل به دامن می‌کند
او بریزد اشک غم بهر حسین و در عوض
فاطمه در ماتم عباس افغان می‌کند
ای مؤید! دامن ام‌البنین از کف مده
کاین ملیکه با نگاهی، درد درمان می‌کند(۱)

داغ آتشین

این جا مزار فاطمه، ام البنین است
یا مادری غم دیده مدفون زمین است
این جا نهاده سر به خاکِ غربت و غم
مظلومه ای کز مرگ گل هایش غمین است
در دامنش پرورده سرداری چو عباس
آری، چنین زن، مادری شیر آفرین است
خون گریه کن ای زایر شهر مدینه
بنگر که این جا با غمی افزون، قرین است
هم ناله با ام البنین خون جگر شو
کز بار محنت، خسته و زار و حزین است
شد جان او آزرده از رنج زمانه
بر سینه اش چون لاله، داغی آتشین است
خاک مدینه! حرمت او را نگه دار
کو اختر برج شرف، بانوی دین است
ای زاده ام البنین! بر ما نظر کن
بر درگهت چشم امید زایرین است
این جا مکان یأس و نومیدی نباشد
زیرا نگاه لطف تو بر ما یقین است (۱)

محسن صافی

مظہر مہر و وفا

مظہر مہر و وفا

ہمسر مولا امیر المؤمنین

مظہر مہر و وفا، ام البنین

السلام ای گوہر دریای عشق

السلام ای لالہ صحرائ عشق

السلام ای لؤلؤ بحر شرف

گوہر ایثار و عصمت را صدف

السلام ای مادر سلطان عشق

نام تو دیباچہ دیوان عشق

خوانندہ ای خود را کنیز فاطمہ

دادہ ای درس محبت بر ہمہ

خاک کویت توتیای چشم ما

جان عالم نام پاکت را فدا

باب حاجات ہمہ شد پور تو

خود بود او شاخہ ای از نور تو

چون بہ او شیر محبت دادہ ای

درس ایثار و عطوفت دادہ ای

ای تو ما را در دو دنیا دادرس

- ۱- ستاره درخشان مدینه؛ حضرت ام البنین علیها السلام ، ص ۱۸۳.
- ۲- ستاره درخشان مدینه؛ ام البنین علیها السلام ، صص ۱۴۷ - ۱۴۹ با گزینش.

متون ادبی

زیر فصل ها

دست های آسمانی

یاد عباس

عطر بقیع

دست های آسمانی

دست های آسمانی

سلام بر دست های آسمانی ات! سلام بر نگاه مهربانت که صلابت و استواری را بازتاب می دهد. سلام بر دامان پرمهرت که قهرمان می پرورد. سلام بر مرواریدهای جاری بر گونه ات که تجلی صفا و حیا و عصمت است. سلام بر صبوری ات که ایستادگی و پایداری را معنا کرد. سلام بر تو ای مادر عشق و وفا و ای مادر فضیلت و ایثار. نامت پژواک استقامت مادری رنج کشیده و مصیبت دیده است که پرده سیاه شب را شکافت و رسوایی شب پرستان را فریاد کرد. نامت، تداعی کننده اقیانوس ادب، فروتنی و صداقت است. ایثار، ادب، وفاداری، صلابت و شهامت الگوی شیرزان آزادان است که نام تو را چراغ راه خویش یافته اند.

یاد عباس

یاد عباس

طلیعه صبح مدینه، راه خود را گم کرده بود و آستین شب، از واگویه های ناگفتنی پر بود. گویی سپیده از هجرت خورشید و ستارگان آسمان کربلا- آگاهی داشت که از شرم، رخ نهان کرده بود. در آن میان، ام البنین علیهاالسلام - مادر عباس علیه السلام - حالتی دیگرگون داشت. او تندیس داغ بود که چهار جوان رشیدش را که تکیه گاه محکم او بودند، از دست می داد. داغ و اندوه او حتی دشمنانش را نیز شرمنده می کرد و به تأثر او می داشت. ناله مستانه اش سیاهی شب را می درید. لحظه ای یاد عباس و دست های بریده شده اش، فرق شکافته و چشم تیر خورده اش از ذهن ام البنین علیهاالسلام زدوده نمی شد. با این حال، شاید بیشترین تأثرش از آن بود که چرا

عباسش نتوانسته مشک آب را به خیمه ها و لب های خشکیده آل حسین علیه السلام برساند؛ چون نخستین پرسش او از بشیر این بود که حسین علیه السلام چه شد؟

عطر بقیع

عطر بقیع

بقیع به جز عطر فاطمه علیهاالسلام، حسن علیه السلام، سجاد علیه السلام، باقر علیه السلام و صادق علیه السلام، بوی عطر دل انگیز دیگری نیز می دهد و آن، عطر مادر عباس علیه السلام، ام البنین علیهاالسلام است. مادری که ولایت و محبت به فرزندان فاطمه علیهاالسلام را با شیر جگر فرزندانش آمیخته و ادب و وفا و جانبازی در راه اهل بیت علیهم السلام را به آنان آموخته بود. بقیع، مادری را در خود جای داده است که عباس علیه السلام، فرزند او و تجلی پرفروغ فضیلت های اوست. آری، ولایت پذیری عباس علیه السلام اثر زمزمه های شبانه ام البنین علیهاالسلام است. ادب و وفای عباس علیه السلام، پرتویی از وفا و ادب ام البنین علیهاالسلام و رشادت و شجاعتش، برگرفته از شهادت اوست؛ شهادتی که در عظمت و بلندای ایمان او ریشه دارد.

عباس علیه السلام آینه تمام نمای مادرش، ام البنین علیهاالسلام است. او که با استواری در بقیع گام می نهاد و بر چهره کربیه ظالمان، چنگ می افکند و صحنه دیگری از حماسه حسینی را به نمایش می گذارد. در سوگ عزیزانش می گرید؛ ولی گریه ای افشاگرانه که هم بیانگر عشق مادری داغ دیده است و هم نشانگر مظلومیت آل الله و هم برملا کننده هدف های شوم و اراده های پلید و کردارهای جنایت کارانه نابکاران و ستمگران.

بخش سوم: همراه با برنامه سازان

اشاره

بخش سوم: همراه با برنامه سازان

زیر فصل ها

توصیه های کلی

پیشنهاد های برنامه ای

پرسش های مسابقه ای

پرسش های کارشناسی

پرسش های مردمی

ص: ۷۱

توصیه های کلی

ام البنین علیها السلام از زنان باایمان و مبارز صدر اسلام است که فرزندان بزرگ و اسوه پرورش داد. این بانوی بزرگ اسلام، فضیلت هایی را در خود جمع کرده است که می تواند الگوی زنان پاکدامن و فرهیخته باشد. از این رو، پیشنهادهایی در زمینه الگوسازی از زندگی ایشان در جامعه اسلامی ارائه می شود:

۱ - می دانیم که شناساندن الگوهای خودی دو ویژگی دارد:

الف) موجب می شود که افراد به الگوهای بیگانه، رغبت نشان ندهند و در معرض تهاجم فرهنگی بیگانه قرار نگیرند.

ب) وجود الگو، هدف را قابل دسترس تر می کند. پس شناسایی الگو در فرهنگ خودی، اهمیت فراوان می یابد. بنابراین، شایسته است رسانه ملی در شناسایی الگوهای اسلامی برای گروه های گوناگون اجتماعی تلاش کند و در راه بسترسازی برای فرهنگ پویای اسلامی بکوشد.

۲ - از جمله مواردی که باید درباره ازدواج بدان توجه شود، ویژگی های معنوی و اخلاقی همسر است که افزون بر تأثیر داشتن مستقیم در زندگی مشترک، در پرورش و رشد فرزندان نیز اهمیت دارد. بر این اساس، ماجرای خواستگاری امیرمؤمنان علیه السلام از ام البنین علیها السلام و تأکید بر ویژگی های نیکوی همسر می تواند درس آموز باشد.

۳- بعد از درگذشت همسر اول آمدن همسر دوم در خانه معمولاً با درگیری‌ها، بگو مگوها و تبعیض‌هایی میان همسر دوم و فرزندان همسر اول همراه است. این در حالی است که آمدن ام‌البنین علیهاالسلام در خانه امام علی علیه‌السلام نه تنها اختلافی ایجاد نکرد، بلکه بر مهربانی در خانه و همدلی افراد خانواده افزود. فداکاری و مهربانی ام‌البنین علیهاالسلام، فرزندان در خور و شایسته امیرمؤمنان علی علیه‌السلام تربیت کرد. بنابراین، باید این خانواده را به عنوان الگوی خانواده در جامعه اسلامی معرفی کرد.

پیشنادهای برنامه‌ای

پیشنادهای برنامه‌ای

۱- اگرچه جنبه‌های گوناگون زندگی ام‌البنین علیهاالسلام مبهم است و قابلیت ساخت فیلم و سریال را ندارد، ولی آمدن بشیر به مدینه و آوردن خبر واقعه کربلا و برپایی عزا و ماتم در مدینه، موضوع مناسبی برای ساخت برنامه است.

۲- در برنامه‌های خانوادگی یا برنامه‌های اجتماعی و روان‌شناسی، موضوع‌هایی مانند: ازدواج امام علی علیه‌السلام با ام‌البنین علیهاالسلام، حضور موفق ام‌البنین علیهاالسلام در خانه امام علی علیه‌السلام و خدمت ام‌البنین علیهاالسلام به فرزندان فاطمه زهرا علیهاالسلام با حضور کارشناسان، بررسی شود.

۳- می‌توان برنامه جداگانه‌ای ساخت و در آن زنان صدر اسلام را به جامعه شناساند. این امر با توجه به ناآشنایی زنان جامعه با این الگوهای تاریخ ساز، کاری شایسته و مناسبی خواهد بود.

ص: ۷۴

پرسش های مسابقه ای

پرسش های مسابقه ای

۱ - ام البنین علیها السلام کیست؟ همسر امام علی علیه السلام و مادر عباس علیه السلام

۲ - ام البنین به چه معنا است؟ مادر پسران

۳ - نام ام البنین علیها السلام چه بود؟ فاطمه

۴ - ام البنین علیها السلام از چه طایفه ای است؟ کلاب (کلابیه)

۵ - خاندان ام البنین علیها السلام به کدام ویژگی ها مشهور بودند؟ شجاعت و دلیری.

۶ - چه کسی علی علیه السلام را برای برقراری پیوند ازدواج با خانواده و خاندان ام البنین علیها السلام، راهنمایی کرد؟ عقیل بن ابی طالب.

۷ - عقیل با امام علی علیه السلام چه نسبتی داشت؟ برادر ایشان بود.

۸ - فرزندان ام البنین علیها السلام را نام ببرید؟ عباس، جعفر، عبدالله و عثمان.

۹ - آیا ام البنین علیها السلام پس از علی علیه السلام ازدواج کرد؟ خیر.

۱۰ - آیا ام البنین علیها السلام در حادثه کربلا حضور داشته است؟ خیر.

۱۱ - ویژگی برجسته ام البنین علیها السلام، چه بود؟ ولایت پذیری و عشق به اهل بیت علیهم السلام.

۱۲ - آرامگاه ام البنین علیها السلام در کجاست؟ قبرستان بقیع در مدینه.

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱ - درباره قبیله و زمان ولادت ام البنین علیها السلام توضیح بفرمایید.

۲ - ام البنین به چه معنا است و چرا به ایشان ام البنین علیها السلام گفته اند؟

۳ - ام البنین علیها السلام نزد اهل بیت علیهم السلام چه مقام و منزلتی دارد؟

۴- ام البنین علیها السلام نزد شیعیان چه مقام و جایگاهی دارد؟

ص: ۷۵

- ۵- درباره ویژگی های برجسته ام البنین علیهاالسلام توضیح دهید؟
- ۶- ادب، فروتنی و ولایت پذیری ام البنین علیهاالسلام نسبت به اهل بیت چگونه بود؟
- ۷- درباره مقام شاعری و سخنوری ام البنین علیهاالسلام توضیح دهید؟
- ۸- ازدواج علی علیه السلام با ام البنین علیهاالسلام چگونه صورت گرفت؟
- ۹- رفتار ام البنین علیهاالسلام با فرزندان حضرت زهرا علیهاالسلام چگونه بود؟
- ۱۰- آیا ام البنین علیهاالسلام هنگام حادثه عاشورا زنده بوده است؟
- ۱۱- حضرت ام البنین علیهاالسلام پس از واقعه عاشورا چگونه زیست و عملکرد وی چه نتایجی در پی داشت؟
- ۱۲- فرزندان ام البنین علیهاالسلام چه کسانی هستند؟
- ۱۳- درباره زمان و مکان درگذشت ام البنین علیهاالسلام توضیح دهید.
- ۱۴- زنان جامعه ما از زندگی ام البنین علیهاالسلام چه درس هایی می توانند بگیرند؟

پرسش های مردمی

پرسش های مردمی

- ۱- به نظر شما چرا مردم ما به حضرت عباس علیه السلام و مادرش ام البنین علیهاالسلام علاقه مند هستند؟
- ۲- از زندگانی حضرت ام البنین علیهاالسلام چه درس هایی می توان گرفت؟
- ۳- چرا حضرت ام البنین علیهاالسلام در بقیع سوگواری می کرد؟ این سوگواری چه آثاری داشت؟
- ۴- روش حضرت ام البنین علیهاالسلام در پیام رسانی حادثه کربلا چگونه بود؟
- ۵- آیا شما ام البنین علیهاالسلام را می شناسید؟
- ۶- به نظر شما بهترین توضیحی که از ام البنین علیهاالسلام می توان داشت، چیست؟

۷- چه عبرت هایی در زندگانی مشترک حضرت ام البنین علیها السلام با امام علیه السلام وجود دارد؟

ص: ۷۷

- ١ - ابن اثير جوزى، عزّالدين؛ اسدالغابه فى معرفه الصحابه، تحقيق، محمد ابراهيم بنّاومحمد احمد عاشور - بيروت - لبنان - دارالشباب.
- ٢ - ابن حجر عسقلانى؛ الاصابه فى تميز الصحابه.
- ٣ - ابن حجر عسقلانى؛ تهذيب التهذيب، ج ٨، تحقيق: شيخ عادل احمد عبدالموجود، شيخ على محمد معوّض، بيروت - لبنان دارالكتب العلميه، ١٤١٥ هـ . ق.
- ٤ - ابن شهر آشوب؛ المناقب، قم، انتشارات علامه.
- ٥ - ابن طاووس، اللهوف على قتلى الطفوف، قم، انتشارات معد، چ اول، ١٤١٩ هـ . ق.
- ٦ - ابن عنبر؛ عمده الطالب، انتشارات رضى، چ دوم، قم، ١٣٦٢ هـ . ش.
- ٧ - -----، قم، صدر، چ اول، ١٤١٧ هـ . ق.
- ٨ - ابوالفرج اصفهانى؛ مقاتل الطالبين، تحقيق: سيد احمد صقر، قم، شريف رضى، ١٣٧٢ هـ . ق.
- ٩ - ابوفداء، عمادالدين اسماعيل؛ البدايه و النهايه، بيروت - لبنان، داراحياء التراث العربى، ١٤١٣ هـ . ق.
- ١٠ - -----؛ تاريخ ابوفداء (المختصر فى ابناء البشر)، قاهره - مصر، مكتبه المتبني.
- ١١ - الحائرى، شيخ محمد مهدى؛ معالى السبطين، بيروت - لبنان، مؤسسه النعمان.
- ١٢ - المقرم، عبدالرزاق، العباس؛ انتشارات شريف رضى، چ اول.
- ١٣ - امين، سيد محسن؛ اعيان الشيعه، دارالتعارف للمطبوعات، بيروت، ١٤٠٣ هـ . ق.
- ١٤ - -----؛ المجالس السنيّه، دارالتعارف للمطبوعات، بيروت، لبنان، ١٣٩٨ هـ . ق.
- ١٥ - امين، سيد محسن؛ لواعج الاشجان فى مقتل الحسين عليه السلام ، تحقيق سيد حسن امين، بيروت - لبنان، دارالامير، چ اول، ١٩٩٦ م.
- ١٦ - بخارى، ابى نصر؛ با تعليق: سيد محمد صادق بحر العلوم، نجف، مكتبه الحيدريه، ١٣٨١ هـ . ق، قم، چاپ خانه نهضت.

۱۷ - تستری (شوشتری)؛ محمد تقی؛ قاموس الرجال، قم، مؤسسه انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ ه. ق.

۱۸ - دخیل، علی محمد؛ العباس، بیروت، مؤسسه اهل بیت علیهم السلام ۱۴۰۱ ه. ق.

۱۹ - ربانی خلخالی، علی؛ ستاره درخشان مدینه حضرت ام البنین علیها السلام، قم، مکتب الحسین علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۲۰ - سماوی، محمد بن طاهر؛ ابصار العین فی انصار الحسین علیه السلام، نجف اشرف، چاپ خانه حیدریه، ۱۳۴۱ ه. ق.

۲۱ - -----؛ تحقیق شیخ محمد جعفر طبسی، قم، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، چاپ اول، ۱۳۷۷ ه. ش.

۲۲ - سویج، خطیب مهدی؛ ام البنین سیده نساء العرب، قم، امیر، ۱۳۷۷ ه. ق.

۲۳ - شبر، جواد؛ ادب الطف او شعراء الحسین علیه السلام، بیروت، دارالمرتضی، ۱۴۰۹ ه. ق.

۲۴ - شیخ صدوق؛ علل الشرایع، انتشارات حیدری، نجف، افست کتاب خانه داوری، ۱۳۸۵ ه. ق.

۲۵ - شیخ طوسی؛ رجال شیخ طوسی، کتاب خانه حیدریه، نجف، رضی، چ اول، ۱۳۸۰ ه. ق.

۲۶ - -----؛ قم، انتشارات جامعه مدرسین، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، چ اول، ۱۴۱۵ ه. ق.

۲۷ - شیخ مفید؛ الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، برگردان: محمد باقر ساعد خراسانی، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۷۶ ه. ق.

۲۸ - صفایی حائری، عباس؛ تاریخ سیدالشهداء، قم، مسجد جمکران، ۱۳۷۹ ه. ش.

۲۹ - طبری، ابی جعفر محمد بن جریر؛ تاریخ طبری، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۵، بیروت - لبنان، دار احیاء التراث العربی.

۳۰ - عبدالامیر انصاری، محمدرضا؛ ام البنین نماد از خود گذشتگی، برگردان، موسی دانش، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چ اول، ۱۳۷۵ ه. ش.

۳۱ - قمی، شیخ عباس؛ الکنی و الالقاب، نجف، حیدری، ۱۳۷۶ ه. ق، چ افست، تهران، صدرا، چاپ پنجم، ۱۳۶۸ ه. ش.

۳۲ - -----؛ سفینه البحار.

۳۳ - -----؛ منتهی الآمال، تحقیق: ناصر باقری بیدهندی، قم، دلیل، ۱۳۷۶ ه. ش.

ص: ۷۹

- ۳۴ - -----؛ نفس المهموم، انتشارات مکه الحیدریه، ۱۴۲۱ ه. ق.
- ۳۵ - کتّاله، عمر رضا؛ اعلام النساء فی عالمی العرب و الاسلام، مؤسسه رسالت، چ پنجم، ۱۴۰۴ ه. ق.
- ۳۶ - کمپانی، محمدحسین؛ دیوان کمپانی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۳۸ ه. ش.
- ۳۷ - مامقانی، شیخ عبدالله؛ تنقیح المقال فی احوال الرجال، ج ۲، نجف، ۱۳۵۰ ه. ق.
- ۳۸ - مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، چ سوم، ۱۴۰۳ ه. ق.
- ۳۹ - محلاتی، ذبیح الله؛ ریاحین الشریعه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چ اول، ۱۳۶۸ ه. ق.
- ۴۰ - مسعودی، علی بن حسین؛ مروج الذهب و معادن الجواهر، بیروت - لبنان، دارالاندلس. برگردان: ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، چ پنجم، ۱۳۷۴ ه. ش.
- ۴۱ - یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب؛ تاریخ یعقوبی، بیروت، دار صادر، ۱۳۷۲.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

